

بسیله گراما

نشریه

هواداران

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران - شماره ۲ - زمستان ۱۳۶۴



گرامی باد هشتم مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن

شماره ۲

بسیله گراما

زنان مبارز ایران!
برای سرنگون کردن رژیم قرون وسطائی و
زن ستیز جمهوری اسلامی متشکل شوید!



فهرست مطالب:

صفحة

۱ احتیاق حقوق زن ایرانی در گرو سرتگون کردن جمهوری ولایت فیه است

۴ اعلامیه تشکلات دموکراتیک زنان ایران به مناسبت هشتم مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن

۷ ره آورد سفر پراگ

۱۰ پیام تبریک تشکلات دموکراتیک زنان ایران به فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان

۱۱ جوخه های مرگ آبار تا بد را محکوم کنید!

۱۴ در ادارات جسه می گذرد؟

۱۸ به یاد پروین اعتصامی

۲۰ نگاهی به وضعیت زنان جهان

۲۲ به مناسبت آغاز چهل و سومین سال زندگی تشکلات دموکراتیک زنان ایران

۲۵ به مناسبت تولد روزا لوتزا مورگ

۲۸ قوانین جزا در رژیم جمهوری اسلامی

۳۰ توان جنگجوی

۳۱ بزرگترین اختراع قرن بیام جمهوری اسلامی به لبست رسید!

۳۲ جانی که زنان باشند من نمی آیم

۳۳ شعر - شکایت پیرزن

۳۴ شعر - زن ایرانی

۳۵ کمون پاریس

۳۶ ۱۹۸۶، سال جهانی صلح

۳۷ ورزش زنان عرصه ممنوعه!

۳۹ همبستگی بین المللی با زنان ایران

۴۲ نامه ای از ایزران

خوانندگان عزیز!

به این نشانی با ما مکاتبه کنید:

طرح روی جلد: راه بیمانی زنان در ۸ مارس

طرح پشت جلد: گوتوزو

بها: معادل ۲ مارک

آدرس پستی:

STEFAN-L
SCHLIES-FACH 1629
5020 FRECHEN
WEST GERMANY



احقاق حقوق زن ایرانی در گروهی سرنگون کردن جمهوری 'ولایت فقیه' است

فرارسیدن هشتم مارس، روز جهانی زن، مناسبتی است تا بار دیگر به بررسی وضعیت خودمان بنشینیم و ببینیم در حالی که بخشی از جهان با سرعت باورنکردنی در عرصه پیشرفتهای علمی و فنی پیش می تازد و زنان هر روز قله های جدیدی از کار و دانش را فتح می کنند، ما کجای کاریم.

در جوامع سوسیالیستی، با وضع قوانین مترقی حقوق برابر زنان با مردان تاءمین شده و دولتها با برنامه منظم به زنان کمک می کنند تا عقب ماندگی تاریخی خود را جبران کنند، حتی دشمنان اردوگاه سوسیالیسم نمی توانند دستاورد های عظیم و نقش پراهمیت اقتصادی و اجتماعی زنان را در این کشورها انکار کنند.

در کشورهای سرمایه داری، پیشرفت تکنولوژی و توسعه غول آسای صنایع، مشارکت همه اعضای جامعه از جمله زنان را می طلبد. این امر با منافع صاحبان سرمایه و سود جوئی آنان در تضاد قرار می گیرد و عوارض آن بصورت بحران های اقتصادی و بیکاری توده عظیمی از نیروی فعال جامعه بروز می کند. زنان اولین قربانی بحران های اقتصادی و بیکاریند. هم اکنون در کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده تبلیغات زیرکانه ای به وسعت جریان دارد که با تکیه مصنوعی و غیرعادی پراهمیت حضور مادر در کنار فرزندان، زنان را به خانه نشینی و عدم فعالیت اقتصادی تشویق می کنند. سیستم سرمایه داری می کوشد بیکاری، این بیماری

اقتصادی اجتماعی را با بیکار کردن زنان علاج کند.

طیرغم سطح بالای رفاه در این کشورها که به قیمت فلاکت کشورهای جهان سوم تامین می شود و کوشش دولت ها در هدایت افکار زنان به سمت مسائل فرعی مثل خانه داری، مد و تفریحات و غیره، سازمانهای مترقی

زنان در این کشورها، می کوشند زنان را متوجه نیرنگ صاحبان سرمایه و نقش آنان در ترمز کردن پیشرفت و ترقی اجتماعی کنند.

امامشکی مادر ایران مسئله دیگری است. مای بایست ابتدا هویت انسانی خود را به اثبات برسانیم. رژیم قشوری و تاریک اندیشی که بر سرنوشته مردم میهن ما حاکم شده است شخصیت انسانی زن را زیر علامت سؤال برده و به آن قانسونیت بخشیده است. در رژیم جمهوری اسلامی زنان در میحت ارث و شهادت و حقوق صیانت نفس نیم انسان، در زمینیه برخورداری از همسر یک چهارم انسان و در مورد حق طلاق و ولایت اطفال و قضاوت غیر انسان تلقی می شوند. در زمینیه برخورداری از حق ازدواج، کار، تحصیل، و فعالیت اجتماعی زنان در ردیف اطفال و صغار قرار دارند و می بایست ولی شرعی آنها نقش قیم را ایفا کند.

ما قصد نداریم در این مختصر همه محرومیت های زنان را بشماریم. صفحات

این نشریه همه در خدمت این امر قرار دارند. سؤال اصلی اینست: در چنین شرایط دشوار و برای غلبه بر بی حقی کامل زنان چه باید کرد؟

واقعیت اینست که فشار و تحمیل جامعه و خانواده بر زنان در طول قرن هجده، هزاران سال دوری از عرصه فعالیت اجتماعی، محبوس بودن در چهار دیواری خانه و مشغول داشتن ذهن به مسائل محدود کوچکی که در این عرصه می گذرد، محرومیت از کسب دانش و پرورش استعداد، بی خبری از اوضاع جامعه و اعمال مجازاتهای بی رحمانه و خشن در حق زنانی که اندکی از چارچوب تعیین شده پا فراتر می گذاشتند، این اعتقاد را در ذهن توده های زن ایرانی نشانده است که واقعا موجودی فرعی و درجه دوم است. بخش عظیمی از زنان ایران بر این باورند که مردان موجوداتی واقعا باهوش تر و با استعداد ترند و متابعت زن از آنان امری طبیعی است. قوت این تفکر سنتی تا آنجا است که زنان روشنفکر و تحصیل کرده نیز از آن مصون نیستند. چه تعداد از زنان حقیقتا برای خود همان حقوقی را قائلند که مردان از آن برخوردارند؟ چه درصدی از آنان دختران خود را همانگونه تربیت می کنند که پسرانشان را؟ آیا آرزوها و نقشه های آنان برای آینده دختر و پسرشان یکسان است؟

عده نسبتا زیادی از زنان روشنفکر ما نتوانسته اند بر حس تحقیر نسبت به زن غلبه کنند. آنان زنان و حتی مبارزه آنان علیه ستم جنسی را نیز تحقیر می کنند. حد آگاهی بخش از آنان تا آنجاست که خود را تافته جدا بافته تلقی کنند و در صف

مردان جا بزنند. نباید غلبه ایمن عقب افتادگی اجتماعی مبارزه کرد. باید به توده های زن قبولاند که حق با آنها است و حق را باید گرفت. باید به همه، به مردان و زنان جامعه قبولاند که زن انسان است و شایسته برخورداری از حقوق کامل یک انسان.

لنین می گوید کار بین زنان مستلزم کنار فرهنگی عمیق بین مردان است. مردان در طول قرن ها از حق انحصاری حکومت و سیاست گذاری و هدایت فعالیت های اقتصادی و اجتماعی برخوردار بودند. با براه انداختن جنگها هزاران هزار را به مسلخ می بردند و قرارداد صلح منعقد می کردند. و در عرصه دانش و فن می ناخندند و کار در عرصه ادبیات و هنر را در اغلب زمینه ها به خود اختصاص داده بودند. زن برای آنان وسیله ای برای تکمیل آسایش و حفظ نسل بود. قبل از اینکه نظام برده داری غالب شود، مردان زنان را برده کرده بودند. هم اکنون نیز که روند تکاملی تاریخ این صورت بندی اجتماعی را منسوخ کرده است، میلیونها زن برده اند.

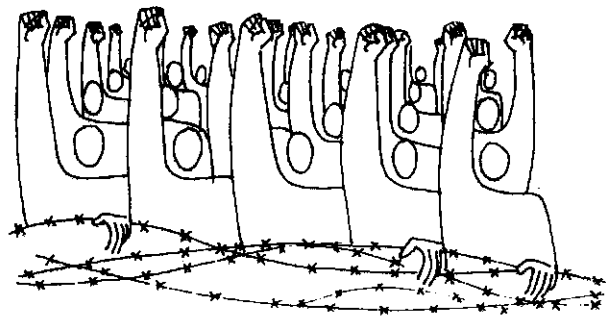
برای زدودن این رسومات ارتجاعی که در طول قرن ها غلیظ و متراکم شده است، سازماندهی کار فرهنگی وسیع بین زنان و مردان ایران ضروری است. باید مردم را با واقعیات قرن ما آشنا کرد. امروز اندیشه و علم و فن بر جهان حکمفرمایی می کند. برای کندن کوهها و حفرا کانالها و جابجا کردن اجسام سنگین، به بازوهای ستبر نیاز نیست. دگمه ها کار آنها را انجام می دهند. در نقاط دیگری از جهان، زنان دست در دست مردان، به کار ساختن جامعه نوین مشغولند. آنان در

همه عرصه های زندگی اجتماعی پیش می نازند و مقامات بالا را اشغال می کنند . به فضا قدم می گذارند و میدانهای جدیدی از کار و فعالیت را کشف می کنند .

باید قوانین ظالمانه را لغو کرد . بایستی زمینه را برای شرکت فعال زنان در زندگی اقتصادی و اجتماعی مهیا نمود . بایستی میدان را برای رشد و شکوفایی استعداد زنان باز گذاشت .

تحقق اهداف بالا مستلزم حصول يك پیش شرط اساسی یعنی رفع بزرگترین مانع پیشرفت و ترقی جامعه ما حکومت خود کامه و ارتجاعی جمهوری اسلامی است . در يك سیستم اجتماعی که افراد مجبور به تبعیت بی چون و چرا در تصمیمات و فتاوی یک نفرند ، آنجا که دیکتاتوری فردی و فشار دستگاهاهی امنیتی حتی افکار مردم را سانسور می کند و هر حرکت آزاد یخواهانه و هر فکر نورا بازندان و داغ و درفش پاسخ می گوید ، جایی که جسم و جان زن و فرزند ، ملک شخصی مردان تلقی می شود ، چگونه می توان بر افکار ارتجاعی درباره

زنان غلبه کرد . زنان از طریق تشکل حول خواستههای مشخص خود اقدام مشترک علیه بی عدالتیهای که در حق آنان اعمال می شود قادرند حرکت اجتماعی عظیمی ایجاد کنند . مبارزه در راه کسب حقوق زنان ، آنگاه که وسعت و عمق یابد به مبارزه علیه رژیم ارتجاعی که بزرگترین مانع ترقی اجتماعی است فرا می رود . زنان در جریان شرکت در کارزار برای کسب حقوق خود ، ریشه اصلی اسارت زن را می شناسند و به ضرورت سرنگونی رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی ، که با وجود آن انتظار هر نوع بهبودی در وضع زن ، امیدی عیب است ، پی می برند و در می یابند که مبارزه زنان در پیوند ارگانیک با مبارزه همه طبقات و اقشار زحمتکش جامعه برای کسب آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی قرار دارد ، از آن نیرو می گیرد و بنوبه خود آن را نیرومند می سازد . زنان تنها از طریق تشکل در سازمانهای دموکراتیک و مبارزه متشکل برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می توانند به حقوق خود دست یابند .



زنان مبارز ایران!
برای سرنگون کردن رژیم قرون وسطائی و زن ستیز جمهوری اسلامی متشکل شوید!

اعلامیه تشکیلات دموکراتیک زنان ایران به مناسبت هشتم مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن

هشتم مارس ، روز جهانی زن فرامی رسد . میلیونها زن در سراسر گیتی ، بار دیگر برای مبارزه در راه صلح و برابری و پیشرفت اجتماعی تجدید عهد می کنند و جهان با بسر گراری این روز عزم یکپارچه زنان را ارج می نهد .

امروز بیش از هر زمان مخطر جنگ هسته ای جهان را به نا بودی تهدید می کند . سیاست ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا در جهت برافروختن آتش جنگهای محلی و منطقه ای ، مداخله در امور داخلی سایر کشورها از طریق محاصره اقتصادی - شان تاز و تجاوز و کوشش در بسط دامنه رقابت تسلیحاتی به فضای جهانی را با مخاطرات جدی روبرو کرده است . مردم سراسر جهان برای حفظ صلح و دفع خطر فاجعه نابود کننده هسته ای بها خاسته اند . زنان بخش نیرومند و متشکل جنبش توده ای صلح را تشکیل می دهند .

بیش از پنج سال است زنان ایران عوارض شوم توطئه امپریالیستی را که منجر به آغاز جنگ بین ایران و عراق شده ، با پوست و گوشت خود احساس می کنند و تاوان آنرا به بسای خون صدها هزار جوان و آوارگی بیش

از سه میلیون نفر و ویرانی صد ها شهر و روستا و نابودی ثروت ها و منابع ملی می پردازند . زنان ایران چهره کریمه جنگ را می شناسند و برای برقراری صلح تلاش می کنند . اعتراضات و تظاهرات زنان ایران علیه جنگ ، در شرایط خفقان پلیسی ، مبارزه آنرا با رزم زنان همه دنیا برای صلح پیوند می دهد . دیکتاتوری خشن و سیاه منتهی در ایران همه حقوق زنان را نابود نموده و دستاورد های سالیان دراز مبارزه زنان را الگمال کرده است . در رژیم جمهوری اسلامی مقام زن به «تیمه انسان و برده» تنزل کرده است .

مرجعین از طریق تصویب قوانین ظالمانه متعلق به قرون و اعصار گذشته ، مسخ سنن و فرهنگ ایرانی ، مسموم کردن فضای آموزشی و تبلیغات گسترده و حجاب شده ، بردگی و خانه نشینی زنان را تثبیت می کنند .

امروز نریمین ما با زنان چون « شیئی قابل تملک » رفتار می شود . موجودی که می توان او را خرید و فروخت و بختید . کاهش سن ازدواج دختران به ۹ سال و جاری کردن صیغه عقد دختران حتی کمتر از این سن فقط

با رضایت پدر یا قیم شرعی، چیزی جز برده فروشی نیست. رژیم با تشویق و توسعه "ازواج موقت" فعلا با پوشش شرعی را رواج می دهد.

ارتجاع قرون وسطائی، برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و علی رغم پیشرفت سریع زنان در بخش قابل ملاحظه ای از جهان، حق کار، تحصیل، مسافرت، ازواج و طلاق و قضاوت و شهادت را از زنان سلب کرده و در بسیاری موارد آنرا منوط به اجازه همسر یا پدر نموده است. زنانی که با وجود همه دشواریها با به عرصه کار و تحصیل و فعالیت اجتماعی می گذارند، با موانع جدی روبرو می شوند. در مقابل کار مساوی مزد کمتر دریافت می دارند.

حق تحصیل در بسیاری از رشتهها را ندارند. دلهره اخراج و حذف، کابوسی دائمی زنان فعال اجتماعی ما است. تحمیلات تاریک اندیشان و جاسوسان رژیم در "انجمن های اسلامی" شرایط غیر قابل تحملی را برای زنان ترکاخانهها و کارگاهها، ادارات و دانشگاهها و سایر محیطهای کارجمعی ایجاد کرده است.

زنان ایران با تکیه بر فرهنگ غنی و سنن مبارزاتی، زیر بار تحمیلات قرون وسطائی رژیم نمی روند و با بهره گیری از تسجارب مبارزات گذشته بویژه انقلاب ۲۲ بهمن، در

مقابله با استبداد سرکوبگر علیه جنگ خانمانسوز، نابرابری و بی عدالتی در حق زنان، تضییق حقوق کودکان، تحدید روز-افزون آزادیها و حقوق دموکراتیک، بیکاری و گرانای تورم و فساد روزافزون در حاکمیت جمهوری اسلامی مبارزه می کنند. امروز هزاران زن و دختر رزمجو و عدالتخواه ایران در سیاهال های رژیم متحمل حیوانی ترین شکنجهها می شوند. بسیاری از مسئولین، کارها و هواداران تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، تنها تشکل زنان ایران برای کسب صلح و برابری و رفاه اجتماعی، در شکنجه گاههای رژیم اسیر و از ابتدائی ترین حقوق شناخته شده زندان نیان سیاسی بی بهره اند. مقاومت دلیرانه زنان نرزدانهای مخوف جمهوری اسلامی به مبارزین دلگرمی و شوق می بخشد تا نبرد مقدس علیه مپریالیم و ارتجاع را تا پایان ادامه دهند.

■ زنان ایران (خواهران)

تنها راه رهایی از ستم و احقاق حقوق انسانی، مبارزه با رژیم نیکتاتور ارتجاعی و سرنگونی است. مبارزه ما برای آزادی و برابری پیوند تنگاتنگ با جنبش عمومی مردم ایران در راه صلح، آزادی، استقلال و پیشرفت اجتماعی دارد. هیچ یک از این دوه

بدون دیگری متحقق نمی گردد.

برای سرنگون کردن رژیم قرون وسطائی مبارزه کنید!

بیکار ما، بیکاری است طولانی و دشوار. دشمن از همه امکانات و تجهیزات برای سرکوب مردم بپا خاسته سو می جوید. مخالفت های پراکنده و اقدامات انفرادی راه بجائی نمی برد. برای غلبه بر ارتجاع ضد رزمی متشکل شوید!

■ زنان رنج کشیده ایران!

علیه جنگ و بغاطر صلح بپا خیزید. مانع اعزام جوانان به جبهه شوید. فرار از جبههها را تشویق کنید و مضمحلین فراری را در پناه خود بگنجانید. اعتراضات و تظاهرات علیه جنگ را سازمان دهید.

■ ما نران، همسران، خواهران!

مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی را تشدید کنید. اقدامات متحد و متشکل شما در افشای چهره ضد بشری رژیم و جلب افکار عمومی در سطح ملی و جهانی می تواند جلوی ادامه جنایات را بگیرد. دست بردارست هم برای آزادی همه زندانیان سیاسی بکوشید.

• فرخنده باد هشتم مارس روز جهانی زن

• درود به خاطر ره زنانی که در راه تحقق آرمان های والای خود جان باختند.

• افتخار بر زنان زندانی سیاسی ایران

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران
اسفندماه ۱۳۶۴

درود آتشین بر زنان زندانی سیاسی که در شکنجه گاه های

رژیم خمینی حماسه مقاومت می آفرینند

ره آورد سفر پراگ

اواخر نوامبر و اوایل ماه دسامبر سال ۱۹۵۰، پراگ پایتخت جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی شاهد برگزاری گرد همائی عمومی فد راسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان بود. تقارن این گرد همائی با چهلمین سال بنیان گذاری فد راسیون، اهمیت و شکوه این مجمع را بیشتر می‌کرد. بیش از صد و سی هیات از چهار گوشه جهان از جمله هیات‌تی از طرف تشکیلات دمکراتیک زنان ایران که از سال ۱۳۲۰ عضو فد راسیون است در این مجمع شرکت داشتند. کار کنفرانس با گزارش هیات رئیسه فد راسیون در مورد نتایج کنفرانس نایروبی که به مناسبت پایان دهه زن در کنیا تشکیل شده بود آغاز گردید و پس از انجام مذاکرات و تبادل نظر پربار در کمیسیون‌ها و میزگرد‌ها با صدور قطعنامه‌ای پایان یافت.

هیات نمایندگی ت. د. ز. ا. با شرکت فعال در کمیسیون‌ها و میزگرد‌ها و ایستاد

سخنرانی‌های متعدد، نمایندگان زنان جهان را با اوضاع کلی ایران آشنا نمود. و با تشریح همه جانبه آثار و نتایج جنگ ایران و عراق بعنوان یکی از مهم ترین عوامل تشدید تنشج در منطقه از سیاست تجاوزی و جنگ طلبانه ج. ا. که صلح منطقه و جهان را به خطر انداخته است پسرده برداشت.

نمایندگان ت. د. ز. ا. با برگزاری نمایشگاه عکس و پوستر جنایات عربان رژیم ضد انسانی ج. ا. را در ایزام اجباری کودکان و نوجوانان به جبهه‌های نافرجام جنگ ایران و عراق، شکنجه زندانیان سیاسی و اعدام آنان در ملا عام به نمایش گذاشتند. و با پخش جزوه‌ها و پرشورهای اطلاعاتی بزبانهای انگلیسی و فرانسسه، موقعیت اجتماعی زنان و کودکان ایران را به وسعت مطرح ساختند و از این طریق توانستند توجه و همبستگی عمیق شرکت



کنندگان رانست به مردم ایران جلب نمایند. در طول کنفرانس ملاقاتهای متعددی بین هیات اعزامی ت. د. ز. ا. و بیش از پنجاه هیات نمایندگی از کشورهای مختلف جهان از جمله فلسطین، نیگاراگوئه، السالوادور، شیلی، افغانستان، کانادا و شوروی صورت گرفت. در این دیدارها ضمن بررسی اوضاع ایران بویژه در باره شرایط زندگی و مبارزه زنان ایران، وضع دردناک زندانیان سیاسی بویژه زنان در زندانهای ج. ا. که همراه با کودکان خود زندانی هستند نحوه طرح و انعکاس مسائل مربوط به زنان ایران در کشورهای دیگر، گسترش ارتباطات بین المللی و چگونگی تبادل تجربیات، تصمیمات مشترک گرفته شد. یکی از نتایج این تلاش شبانه روزی جمع آوری امضا از شرکت کنندگان در کنفرانس برای خواست پایان دادن فوری به جنگ ایران و عراق و دستگیری‌ها و اعدام جمعی و فردی در ایران بود. کنفرانس کار خود را با صدور قطعنامه‌های متعدد پایان داد. در این قطع نامه‌ها سیاست تجاوزی و جنگ افروزی امپریالیسم جهانی به سرکردگی ایالات متحده آمریکا که در صد در نظامی کردن فضای کیهان و تدارک جنگ ستارگان است شدیدا محکوم شد. تمام شرکت کنندگان همدا و همگام، با تأیید و پشتیبانی از مواضع اصولی و درست اتحاد جماهیر شوروی خواهان ادامه مذاکرات ژنو بین دو کشور شدند.

ملاقات و مصاحبه اختصاصی با خانم میریام ویره - تومنین دبیر کل فد راسیون

هیات نمایندگی ایران در ملاقاتی اختصاصی با خانم میریام ویره تومنین، دبیر کل فد راسیون بین المللی دمکراتیک زنان

به گفتگو نشست. در این ملاقات در باره اوضاع کلی ایران بویژه وضع زنان و کودکان و مسئله جنگ و زندانیان سیاسی بحث و تبادل نظر شد و اطلاعات جامعی در اختیار ایشان قرار گرفت. دبیر کل فد راسیون جهانی زنان در حالیکه بشدت از آمار تلفات جانی و مالی جنگ و اشکرات وحشتناک آن در زندگی روزمره مردم، تعداد زندانیان سیاسی و شرایط وحشیانه و ضد بشری حاکم در زندانهای ج. ا. متأثر شده بود اظهار داشت: من حمایت کامل خود را از مبارزه مردم ایران بویژه زنان علیه این حاکمیت ارتجاعی و دیکتاتوری اعلام میدارم.

من شدیداً خواهان پایان دادن به این جنگ مخرب هستم. جنگ ایران و عراق هیچ نتیجه‌ای جز ویرانی و کشتار و تیره روزی برای خلقهای ایران و عراق و به خاطر انداختن صلح منطقه و جهان نداشته است. بنظر من حاکمیت ایران باید به تقاضای گروههای میانجی که خواهان رفع اختلاف طرفین و پایان دادن جنگ از طریق مذاکره هستند جواب مثبت بدهد.

در ارتباط با وضعیت زندانیان سیاسی خانم میریام ویره تومنین خاطرنشان ساخت که وجود این همه زندانی سیاسی و استفاده از شیوه‌های قرون وسطائی برای آزار و شکنجه آنان که هدفی جز رهایی و نیکبختی مردشان ندارند فاجعه آمیز است. من ضمن حمایت از خواسته‌های بحق آنها، همدردی عمیق خود را با زندانیان و خانواده‌های آنها اعلام میدارم و به سهم خود با استفاده از همه وسایل و امکاناتی که در اختیار فد راسیون است در راستای مبارزات مردم ایران بویژه دفاع از حقوق

زنان ایران اقدام خواهیم کرد .
والنتینا ترشکوا محبوب ترین چهره
شرکت کننده در کنفرانس

والنتینا ترشکوا اولین زن فضانورد جهان که در دهه قبل با پشتوانه علمی و شهرت بی نظیر خود سفر تاریخی اش را به فضا انجام داد و نخستین جهانیان را برانگیخت، امروزه در رأس سازمان زنان اتحاد جماهیر شوروی قرار دارد . آئینها والنتینای جوان تمام وقت وانرژی خود را صرف تحقیقات علمی پیچیده می گرد تا با انجام سفر فضائی خطرناک در عمل ثابت کند که زنان می توانند برابر با مردان از عهده انجام پیچیده ترین و بفرنج ترین مأموریت های علمی و فضائی برآیند . امروز نیز او با همین انگیزه مسئولیت جدیدش را انجام می دهد . آن شور انقلابی و شجاعت بی مانند و این پختگی و کوشش مستمر، در خدمت تحقق اهداف واحدی قرار داشتند و دارند : صلح ، برابری و پیشرفت اجتماعی .

در طول کنفرانس و در فواصل جلسات ، در استراحت های کوتاهی که برای صرف غذا داده می شد ، همیشه و در هر حال وقتی از ازدحامی از شرکت کنندگان دیده می شد که دورهم حلقه زده و با اشتیاق صحبت می کنند به احتمال قریب به یقین حدس زده می شد که والنتینای محبوب در میان این حلقه است . به راستی او محبوب ترین چهره شرکت کننده در کنفرانس بود . علاوه برگذشته تابناکش ، پختگی سیاسی ، وقار و متانت و صمیمیتی که از خود نشان می داد او را محبوب همگان کرده بود . برای

والنتینا لحظات استراحت وجود نداشت . اوقات استراحت موقعیتی بود تا همسه شرکت کنندگان ، دختری جوان و زیبا از پولیساریو (صحرا) ، زنی رنج دیده و ملی مصمم از افریقای داغ ، ساری پوششی از بنگلادش که فم گرسنگی میلیون ها کودک محروم کشورش در چشمش موج می زد و مبارز پیروز و امیدوار از نیکاراگوئه که مستقیماً از قلب جیبه به پشت میز کنفرانس آمده بود ، خود را به او برسانند .

فردا براون و میریام ویره تومین

شرکت کنندگان در طول برگزاری کنفرانس شاهد فعالیت چشم گیر فردا براون رئیس فدراسیون بین المللی دمکراتیک زنان جهان و خانم میریام ویره تومین ، دبیرکل فدراسیون بودند . فردا و میریام تمام عمر خود را صرف مبارزه زنان برای رسیدن به حقوق برابر کرده اند . این دو غیرمغز بالا بودن سن و فشار کار ، لحظه ای را از دست نمی دادند و با خوششرویی فوق العاده در همه جا حاضر بودند . آنان با حوصله و تدبیر فوق العاده به هر پیشنهاد توجه می کردند و چکیده تجارب بین المللی مبارزات زنان را در اختیار مشتاقان قرار می دادند .

**زنان ایران ! بر علیه جنگ
ویرانگر بپاخیزید .**

**بیانیه تبریک تشکیلات دموکراتیک زنان ایران
به فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان به مناسبت
چهلمین سال بنیانگذاری آن**

نوستان عزیز!

گرد هم آئنی غرور آفرین ما در اینجا با چهلمین سالگرد تأسیس فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان مصاف هستیم . سازمانی که کوشش و بیسکاری بی دریغی در راه صلح و خلع سلاح عمومی ، در راه فراهم آوردن اسکان ریشخند رفاه برای زنان سراسر جهان از وزن و ارزش والای بی سرخورنا راست .

فدراسیون بین المللی حامی هر سازمان و گروهی است که در راه رهنمائی زن از عقب افتادگی و ستم و برای زندگی بهتر برای کودکان مبارزه می کند .

از طرف میلیونها زن ایرانی اعضا*
وهو داران ت . د . ز . ۱۰ ، چهلمین سالگرد بنیانگذاری فدراسیون را به کادر رهبری و کلیه اعضا* تبریک می گوئیم و برایتان در نبرد خطیری که علیه جهل و ستم و جنگ در پیش دارید آرزوی موفقیت می کنیم *

ت . د . ز . ما همواره به عضویت در این سازمان بین المللی معتبر که امر زنان را محور و اساس کارش قرار داده ، افتخار کرده است . حمایت و همبستگی فد را به سیون و سازمانهای عضو ، همواره پشتیبان و پیکار در شوار ما برای کسب استقلال و برابری بوده است برای تمام اعضای فدراسیون پیشرفت و موفقیت آرزو می کنیم *

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران



جوخه های مرگ آپارتاید را محکوم کنید!



ویکتوریا نونیا مزیسومکنجی (Victoria Mxenge) (Nenjamezelo Mxenge) سراسر زندگی اش را وقف مبارزه برای آزادی و عدالت در آفریقای جنوبی نمود. او شوهرش گریفیتز (Griffiths) وکلای مدافع سیاسی بودند که برای خانواده زندان نیا ن سیاسی مقتول (Mapetta Mohapi, Joseph Mduli) کار می کردند. این زن و شوهر مبارز می دانستند رژیم آپارتاید برای درهم شکستن مقاومتشان حتی از اقدام به قتل آنها نیز خوداری نخواهد کرد. معیذاً همچنان در راه مبارزه برای عدالت و آزادی و دفاع از حقوق زندان نیا ن سیاسی پیشگام بودند.

ابتدا گریفیتز مکنجی قربانیانان پرتوریا شده و در اسب ۱۹ نوامبر ۱۹۸۱ ربودند و صبح روز بعد بدن پاره پاره شده اش بیعدها شد.

همسرش می گفت:

وقتی که برای شناسائی جسدی ساختمان نگهداری اجساد رفتم نتوانستم با او رکنم که او شوهر من است. یکی از گوش هایش را بریده بودند شکمش پاره شده بود سرش در اثر ضربات به شدت آسیب دیده بود و در سراسر بدنش آثار سوزن دیده می شود. خانم مکنجی این حقایق تکان دهنده را در یک

کنفرانس مطبوعاتی در دفتر کار مشترکشان فاش کرد.

وی سپس در مصاحبه با یک روزنامه گفت:

قتل سیاسی شوهرم ادا مه مبارزه را متوقف نخواهد کرد. آنها می توانند صدها مکنجی را بکشند ولی مبارزه آزادیبخش هرگز متوقف نخواهد شد. من کار همسر را در جایی که او باقی گذاشت ادا مه خواهم داد حتی اگر به معنای آن باشد که من هم بمیرم. آنها این اعمال وحشتناک را برای به وحشت انداختن مردم مرتکب می شوند ولی معمولاً نتیجه آن تشویق بیشتر مردم در راه مبارزه برای آزادی است.

گریفیتز مکنجی مدتی بجرم فعالیت برای کنگره ملی آفریقا در جزیره رابین (Robben) زندانی بود. او خود یکی از فعالین کمیته آزادی ماندلا، اتحادیه حقوق دانان دمکراتیک، حقوق دانان طرفدار حقوق بشر و کمیته هندی ضد حکومت آفریقای جنوبی بود. در مراسم تدفین اش، تابوت او در پرچم سیاه سبز وطلایی پیچیده شده بود و پلاکی با این کلمات روی آن نصب بود: (زنده با دکنگره).

در مراسم اولین سالروز قتل گریفیتز، ویکتوریا " درحالی که پشت به پرچم کنگره ملی آفریقا داشت اعلام کرد:

روز تشییع جنازه را به یاد می آورم: من کنار ما در شوهرم نشسته بودم و به هنگام اجرای مراسم به او نگاه می کردم. غرور در چهره اش موج می زد. آهسته از او پرسیدم " آیا هنوز می خواهی گریه کنی؟"

او در جوابم گفت: چرا با یستی گریه کنم، ما آمده ایم بکسریا زرا دفن کنیم. بعد از او ما به تو افتخار می کنیم که ادا مه نهنده راه پر افتخار او خواهی بود. و براستی که ویکتوریا با اطلاع کامل از پیامد راهی که انتخاب کرده بود و خطری که زندگی اش را تهدید می کرد با تمام وجود به انجام کارش تمام شوهرش پرداخت و سرانجام در شب اول اوت ۱۹۸۵ در خارج از خانه اش توسط چند ترخیص نقاب

پوش به رنگبارگلوله بسته شد و به خاک افتاد. قتل او درست چند روز قبل از سرگیری محاکمه ۱۱۰ ر هرجیبه متحددموکراتیک به جرم خیانت اتفاق افتاد و خانم مکنجی یکی از اعضای گروه وکلای مدافع در این محاکمه بود. ترور و حتی نه این زن و شوهر مبارز یکی از جنایات بی شماری است که توسط رژیم آپارتاید در داخل و حتی خارج از مرزها صورت می گیرد.

در هفته های اخیر عده ای از فعالین جبهه متحددموکراتیک در شرق کیپ (Cape) که پس از ترک جلسه عازم خانه هایشان بودند توسط جوخه مرگ به قتل رسیدند.

در ایستاد (East Road) هشت تن از فعالین جوان کنگره دانشجویان آفریقای جنوبی توسط نارنجک دستی به قتل رسیدند. به برخی از آنها قبل از مرگها اخطار شده بود و اسامی آنها در لیست سیاه پلیس قرار داشت.

تنها راه تجلیل از مکنجی و صدها نمونه دیگر که به خاطر مبارزه بر علیه آپارتاید و بی عدالتی زیستند و جان دادند در بیخ نورزیدن از هر گونه تلاش در تشدید مبارزای است که آنرا آغاز کردند.

مبارزه مردم مستم دیده آفریقای جنوبی علیه حکومت ترور دولتی باید هر چه بیشتر از طرف جوامع بین المللی حمایت شود.

با بیان یافتن هر چه سریعتر وضع اضطراری که به منظور قانونیت دادن به جوخه‌های مرگ‌آلود اعلام شده، خواست همه مردم مستمندی و مبارز آفریقای جنوبی است. از طرف دیگر کمک‌های اقتصادی و نظامی غرب که در حکم پایداری رژیم آپارتاید است باید هر چه سریعتر قطع شود. جهان باید به حمایت از کنگره ملی آفریقا

که علیه آپارتاید مبارزه راهبری می‌کند برخیزد. کنگره ملی آفریقا در تحلیل از نونیامزولو مکنجسی و همه مبارزان دیگری که توسط جوخه‌های مرگ‌آپارتاید قربانی شدند پرچم انقلابی خویش را فرود آورد. انقلابیون آفریقای جنوبی بار دیگر بی‌مان می‌بندند که با تشدید مبارزه، قاتلین نژاد پرست را شکست خواهند داد. نونیامزولو مرگ تو عبث نخواهد بود.



... رو بای همه تبعیدی هاست
 بازگشت به ریشه‌ها
 به موطن محبوب
 به آفریقای جنوبی
 به میهنمان که با ترس و بدگمانی
 ترکش کردیم...

نکولی، شانزده ساله



در ادارات چه می‌گذرد؟

آخرین آمار رسمی، منتشره در سال ۱۳۶۲ نشان می‌دهد ۱/۲۱۱/۸۹ نفر یعنی ۱۰ درصد کل کارمندان یعنی ۳۴۸۱۰۰ نفر از آنها را زنان تشکیل می‌دهند. استان تهران با صد و نوزده هزار و شصت و شش نفر و استان هرمزگان با سه هزار و پانصد و هشتاد نفر به ترتیب بیشترین و کمترین تعداد کارمندان زن را بخود اختصاص داده‌اند.

زنان اولین آماج تصفیه

پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ به رستی مسئله تغییر ساختار دستگاه دولتی و کاهش حجم آن و هدایت نیروی انسانی بیشتری بسمت تولید مطرح شد. سیستم بوروکراسی گذشته که آلت اجرای سیاستها ضد مردمی شاه بوده، دستگاهی بود متورم و با طول و عرض غیر ضروری. برخی ادارات و حتی گاه وزارتخانه‌ها نه به ضرورت بلکه جهت ترسانیدن پست و مقام برای نورچشمی‌ها و نزدیکان تباری و مقامات درجه اول حکومتی ایجاد می‌شد. این دستگاه به منظور خدمت به رژیم سلطنتی دیکتاتوری بوجود آمده بود و با سقوط شاه می‌بایست تغییر کند و در خدمت انقلاب قرار گیرد.

همانطور که فساد و سرسپردگی دستگاه اداری بمعنی متهم کردن تک‌تک کارمندان به اتهامات فوق نیست، تغییر ساختار دستگاه دولتی نیز نمی‌تواند بمعنی اخراج و همه کارمندان یا شده که جز حقوق ماهانه مستمر درآمد دیگری ندارند. آنچه پس از پیروزی انقلاب ضروری می‌نمود تغییر سیستم اداری حذف ساختار ایستادگی و خدک هدایت آن بسمت تأمین منافع مردم و مبارزه شدید و بی‌امان با فساد و رشوه خواری در دستگاه اداری بود. بدیهی است انجام این اقدامات بنیادی و انقلابی جز با حذف کارگردانان سیاست‌گزاران درجه اول اداری در حکومت شاه میسر نبود. این کار در اوج جنبش انقلابی کم‌وبیش عملی شده. مهره‌های اصلی رژیم وابسته سلطنتی بدست نیروهای انقلابی دستگیر شدند و با فرار یا برقرار ترحیم دادند و به نامان پسر فتنه آریابان خود پناه بردند. بتدریج با تحکیم کمیته‌های انضباطی که سوار بر موج انقلاب و با سوء استفاده از ضعف تشکلهای مردمی بهاریکه قدرت تکیه زنده‌هروند منخ انقلاب آغاز شد و تغییر سیستم اداری شاه محدود، به حذف آرم‌شیر و خورشید از کاغذهای دولتی گردید. نیروی

۱۱۲ ۱۱۱

انسانی عظیمی دست بکار شد و سبب زشتیهای
 کاذب در اناقتها و راهروها و ادارات براه
 افتاد.

در این گیرودار معلوم شد که فساد اداری که
 کار را به استخوان مرد مرسانده و مسائلی
 چون سلطه روابط بجای ضوابط و رشوه خواری
 و زدنی، تملق و چاپلوسی، تبعیض و سوء-
 استفاده، مسائلی فرعی و درجه دومند؛
 آنچه "مهم و اساسی" و بمنزله سرچشمه فساد
 و تناهی با آن باید مبارزه نمود مسئله
 "بی حجابی" است. ناگهان کشف شد که
 که مقرر اصلی "موی سر" زنان است.

رفتار توهین آمیز با زنان کارمندان را اینجا
 آغاز شد.

تحقیر و توهین نسبت به زنان همیشه
 در اعتقادات روحانیون حاکم دارمآستان
 ابتدای مبنای عقیدتی خود با بویژه بر آن
 بخش که مربوط به زنان می شود پنهان می -
 گردید و می کوشیدند آنرا در زور قسی از
 از عبارات و کلمات بیوشانند. کاری که در
 آن اضا فامهارت دارند. بتدریج از حضور-
 زوائد کاسته شد. امروز مقامات جمهوری
 اسلامی از صدر تا ذیل مخفی نمی کنند که
 بزعم آنان "زن لعبت است و هر کس او را گرفت
 باید بیوشانند."

بر اساس قانون پاکسازی و بازسازی
 که به تصویب مجلس اسلامی رسید "عدم رعایت

حجاب کامل اسلامی" از جمله مواردیست که
 منجر به اخراج زنان ادارات دولتی می-
 گردد. وجود عبارت "حجاب کامل" دست
 مسئولین و انجمن های اسلامی را باز گذاشت
 تا بسیاری از زنان را به این بهانه که
 حجابشان "کامل" نیست تصفیه کنند.

"حجاب اسلامی" و عدم رعایت آن تنها
 سبب نه برای اخراج زنان نیست. حرف زدن،
 خندیدن با همکاران مرد دست دامن میگرد
 کشیدن، جمله ای در انتقاد از رهبران
 "عظیم الشان" و "علمای اعلام" گفتن
 و تن به او و درخواستهای نادرست و نامشروع
 مسئولین ندان نیز باعث اخراج و تعلیمی
 و باز نشتگی می گردد. به این ترتیب تعداد
 زنان مختلک صندوق بازنشستگی از ۹۰۷ نفر
 در سال ۱۳۵۷ به ۲۳۹۹ نفر در سال ۵۸ و ۵۱۱۳
 نفر در سال ۵۹ رسید یعنی در عرض نوسال شش
 برابر شد.

"آیاتر اید" اسلامی

بر بعضی از ادارات و موسسات دولتی
 حتی در رودی زنهارا و مرنها را از هم جدا کرده اند
 نصب تا بلوهای با ضمون "و رو ببرا نران
 ممنوع است بر براتای های زنان کارمند
 همان اندازه معمول و رایج است که وجود
 تراکت های "در اسلام جاسوسی واجب است"
 برخلاف ادعاها و اولیه و فعلی و روند استخام

کارمندان جدید جز در نوره بسیار محدودی
 متوقف نشد. هر کس که دستش در وزارت -
 خانهها بجائی نرسد بوده فامیل و ایل و تبار
 خود را به استخدام نولت بر آورد. روحانیون
 حاکم در این عرصه هم گوی سبقت از همه بودند
 بعنوان مثال کمتر وزارت خانه های رامسی
 توان پیدا کرد که عده ای از بستگان مهدوی
 کنسی عرئیس "جامعه روحانیت، مبارز تهران"
 در آن مقامات بالا و پائین را اشغال نکرده
 باشند.

مقامات رژیم جمهوری اسلامی، طبق يك
 توافق غیر رسمی، این خوان یغما را بین خود
 تقسیم کرده اند. وزارت بازرگانی در تیسول
 خانواده خاموشی است. در وزارت کشور نارو-
 د سته ناطق توری حکمفرمایی می کنند. یزدی
 معاون مجلس نیز عوامل خود را در وزارت کشاورزی
 و رزی چیده است و الخ. تنها در طول دوسال،
 یعنی از ۱۳۶۲-۱۳۶۰ نزدیک به نوهزار نفر به
 استخدام نولت درآمدند.

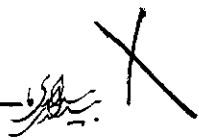
بین این کارمندان جدید عده ای که به
 "خواهران زینب" معروف شده اند وجود دارند
 از آنجا که این "خواهران" از هر نوع
 تخصص و مهارتی محرومند. کارشان تفتیش
 بدنی زنان کارمند و جاسوسی و خیرچینی است
 انگیزه تفتیش بدنی با ابتدا یا فتن عوامل
 "تروریست و خرابکار" و کشف مواد منفجره
 اعلام گردید اما بتدریج کار بازرسی بدنی

تاسرکشی به داخل کیف پول خورده، در زلباس
 و سطح داخلی کفش جوراب کشیده شد. معلوم شد
 علیا مخدرات بدنبال سند و مدرک برای
 پرونده سازی هستند. کار جستجو با توهین
 و رفتار زننده ما مورین همراه است. بسه
 خانمهای کارمند با هر موقعیت و سن و سال
 ایراد می گیرند که جورابشان نازک تر از حد
 استاندارد اسلامی است و یا رزی پالتوی
 ضخیم کمربندی بسته اند که فرو رفتگی کمرا
 بیاد می آورد!

این شیوه رفتار به حق خیم زنان را بر
 می انگیزد و منجر به اعتراض شدید و درگیری
 می شود. زنان کارمند صبح زود کار خود را به
 این ترتیب با اعصابی خستد و فرسوده شروع
 می کنند.

تفتیش عقاید در ادارات کاملاً علنی
 و بصورت رسمی انجام می شود. زنان را به
 نوبت به قسمت "حراست" (حفاظت سابق،
 بخش ساواک در وزارت خانهها) احضار می کنند
 و مورد بازجویی قرار می دهند. چند جمله
 معروف از امام را بگوئید. در اولین انتخاب
 با تریاست جمهوری به کد رای دادید. روز
 قلم سال ۰۰۰ چند شبیه بود اگر در بیابان
 با کسی تنها باشید او بمیرد چگونه نماز
 میت بجای آورید و ۰۰۰

زنان که به کار خود بعنوان نقطه
 اتکال اقتصادی و محلی برای بروز توانائی



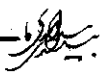
به یاد پروین اعتصامی

۲۵ اسفند مصادف است با هفتاد و نهمین سالگرد تولد شاعر بزرگ پروین اعتصامی. هفتاد و نه سال قبل شاعری پایه عرصه وجود نهاد که در طول زندگی کوتاه ولی پربار خویش برگی زرین و افتخاری بزرگ به تاریخ ادبیات ایران افزود. ملک الشعراء بهار در این شماره در مقدمه دیوان پروین می گویند:

"در ایران که گاه هنر و فرهنگ است اگر شاعرانی از جنس مرد پیدا شده اند که مایه حیرت اند، جای تعجب نیست اما تاکنون شاعری از جنس زن که دارای این قریحه و استعداد باشد و با این توانایی و طی مقدمات تتبع و تحقیق اشعاری چنین نغز و نیکو بسراید از نوادر محسوب و جای بسی تعجب و شایسته هزاران تمجید و تحسین است."

پروین در شرایطی با به عرصه زندگی نهاد که جامعه غرق در جهل و خرافات و عقب ماندگی ناشی از سیستم استعماری بود. زنان و دختران به هیچ گرفته میشدند. امکان هیچگونه فعالیت اجتماعی، خودسازی و حتی تحصیل در خارج از چارچوب اندرونی وجود نداشت. ولی طبیعت بالنده و پویای پروین تحمل این همه محدودیت و حقارت را نداشت. طیر غم تمام محدودیتهای اجتماعی در دوران کودکی ادبیات فارسی و عربی را نزد پدرش که یکی از روشنفکران عصر خود و مترجم کتاب "تربیت نسوان" بود فراگرفت. در هشت سالگی به شعر گفتن پرداخت و "مخصوصاً

با به نظم کشیدن قطعات زیبا و لطیف که پدرش از کتب خارجی (اروپائی و ترکی و عربی) ترجمه میکرد طبع آزمائی می نمود و به پرورش ذوق می پرداخت. پس از طی مقدمات در شرایطی که تحصیل دختران گناه محسوب میشد وارد مدرسه آمریکائی گردید و در تیرماه سال ۱۳۰۳ شمسی با موفقیت کمال فارغ التحصیل شد. در جشن پایان تحصیلی خطابهای با عنوان "زن و تاریخ" ایراد کرد. نهنها از ستم و بیدادی که جامعه و مردان در حق زن ایرانی روا میدارند سخن گفت بلکه از روزگار تلخ و تاریک زنان مشرق زمین نیز که سرشار از اسارت و ذلت بود یاد کرد و تعلیم و تربیت زنان و مردان را بیکسان برای غلبه بر این وضع لازم شمرد و سرانجام نتیجه گرفت که بدون تربیت زنان اصلاحات مهم اجتماعی ممکن نیست. ابیات زیر از این قطعه انتخاب شده است:



واستعداد و تخصص خود علاقمند هستند، می کوشند با سخا را طوری تنظیم کنند که منجر به اخراج نگردد. اوایل تشخیص غرض بازجویان مشکل بوده اما امروز همه می دانند که برخلاف انتظار مثلاً رای نادان به بنی صدر در نظر مفتیین عقاید نکته مثبتی است چون فقط کمونیستها به او رای ندادند. و روز قس همیشه مصاف با روز جمعه است و... زنان کارمند به درستی به این نتیجه رسیده اند که آسان ترین و بی ترس ترین راه برای درگیر شدن با کارگزاران امنیتی رژیم، تظاهر به بی سواد بودن و بی خبری و حتی حماقت است. در سیستم ولایت فقیه حماقت و نادانسی جایگه رفیعی دارد!

ارتقا * ممکن نیست

زنان کارمند در حکومت آخوندها امکانی برای رشد و ارتقا * ندارند. در شرایط مساوی و حتی در صورت برتری مسلم زنان، مسئولین و مقامات از زمین مرآت انتخاب می شوند. زن بودن بخودی خود یک نقطه ضعف محسوب می شود. ظاهراً چنین بنظر می رسد که مسئله حقوق مساوی در مقابل کار مساوی با مردان که یکی از خواستههای همیشگی زنان کارگزار است، در مورد زنان کارمند حل شده است. حقوق ثابت و رسمی در مورد زنان و مردان کارمند مساوی است.

این حقوق ناچیز با مزایا و حقوق اضافه کاری و انجام ما موریت و غیره تکمیل نمی گردد. لازمه دریافت حقوق اخیراً لذکر به پیچیده نظام اضافه کاری یا ما موریت نیست. ترمیم حقوق کارمندان با این قبیل توجیهاات بیگ سنست پذیرفته شده در سیستم اداری ایران است. همین جا است که حقوق زنان کارمند با پمال می شود و دریافتی آنان در مقابل کار مساوی کمتر از مردان کارمند است. حق استخدام در ادارات بتدریج از زنان سلب می شود. بسیاری از سازمانها و موسسات دولتی برای آقایان استخدام می کنند که از زمین دایطلبان مرناستخدام خواهند کرد.

امکانات رفاهیهی

امکانات رفاهیهیها گریشود از چنین چیزی صحبت کرد. امروز بروز محدودتر می شود. مهدکودکها در ادارات تعطیل شده و یا ادامه کار آنها منوط به تقبل کلیه مخارج از طرف مادران شده است. تحمل چنین هزینه سنگین از عهده اغلب کارمندان زهمتکش خارج است. مقامات رژیم در جواب درخواست به حق مادران کارمند در مورد ایجاد مهدکودک مطابق ضوابط درست بهداشتی و تربیتی پاسخ می دهند که اگر به کودکان خود علاقمندید بر ما نه بدیدید بوبه تربیت

غنجه‌ای زین شاخه، مارا زین دست و دامن است - همتی، ای خراهران، تافرصت کوشیدن است.

پستی نسوان ایران، جمله‌آزبی دانشی است مرد یازن برتری و رتبت از دانستن است. به که هر دختر بداند قدر علم آموختن تا نکوید کن، پسر هشیار و دخترکودن است.

پروین آزاده زنی بود که بخوبی می دانست طت تیره‌روزی و فقر و تنگدستی مردم کشورش را باید در دربار فاسد ایران جست. از اینرو پیشنهاد "ورود به دربار" را با بلند نظری نپذیرفت و مسدال وزارت معارف ایران را رد کرد. در ۲۸ سالگی با پسر عموی خود که رئیس وقت شهریارسی کرمانشاه بود ازدواج کرد. ولی پس از دو ماه و نیم زندگی مشترک به شیوه مرسوم با بخشیدن مهریه‌اش از او جدا شد. او که در خانهای سرشار از مظاهر معنوی و ادبی و به دور از هرگونه آلودگی پرورش یافته بود تحمل بساط عیش و عشرتی را که در خانه شوهر برپا بودند نداشت.

«کلار استکین»: پایه گذار روز هشتم مارس روز همبستگی زنان سراسر جهان

«کار و مبارزه، ضربان نبض زندگی هستند»

«آزادی زنان از مبارزه برای آزادی تمامی زحمتکشان جدانیست»

نگاهی به وضعیت زنان جهان

تا ۱۹۸۴ میزان بیکاری در مردان ۲ برابر و در زنان ۸ برابر افزایش یافته است. در کشورهای سرمایه‌داری امکان دست-یابی زنان به تخصص‌های مختلف نیز محدود است. مثلا در کشور آلمان غربی حدود ۷۵٪ از دختران، از ۵۰٪ حرفه موجود فقط ۱۶٪ حرفه را انتخاب می‌کنند. در این کشورها اغلب دختران بدون تجربه هستند و از آموزش لازم برای تخصص‌های مختلف بی‌بهره. بر اساس آمارهای که سال ۱۹۸۲ منتشر شد تنها ۲۵٪ پزشکان در آلمان غربی را زنان تشکیل می‌دهند. تعداد مردان فعال اقتصادی که بیشتر از هزار مارک درآمد دارند ۸ برابر زنان است. از هر ۴۸ پروفسور دانشگاه در این کشور فقط یک نفر زن است. در آلمان در برابر هر ۲۵ مرد متخصص تنها یک زن متخصص وجود دارد. این ارقام روز بروز سیر نزولی را طی می‌کنند. پیشرفت دستگاه‌های خودکار و الکترونیک در تولید، احتیاج به نیروی افراد متخصص را بالایی برد و نیروی کار زنان غیر متخصص جوابگوی این نیازها نیست. بطور مثال در فرانسه

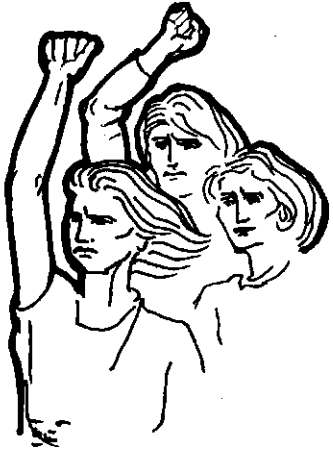
هشتم مارس فرصتی است تا بموضع زن در جهان نظری بیفکنیم: زنان نیمی از بشریت و یک سوم نیروی کار جهان را تشکیل می‌دهند. آنان نزد یک به دو سوم کل ساعت‌های کار را کار می‌کنند و این در حالی است که فقط یک دهم درآمد جهان را دریافت می‌دارند. آنان پنجاه درصد کل مواد غذایی را تولید می‌کنند و بخش عظیمی از نیروی کشاورزی دنیا را تشکیل می‌دهند (۶۰ تا ۸۰ درصد در آفریقا، و ۴۰ درصد در آمریکای لاتین)، اما در سطح بین‌المللی، حقوق زنان ۴۰ تا ۶۰ درصد کمتر از حقوق مردان است. مقایسه وضعیت زنان کشورهای سرمایه‌داری و سوسیالیست-امپریالیست باوضع زنان در کشورهای جبهه جهانی ضد امپریالیستی به خوبی نشان می‌دهد که تا چه حد آزادی زنان به آزادی کل جامعه بستگی دارد. جهت روشن‌تر شدن این مطلب نگاهی به ارقام و ارقام بیفکنیم: در کشور فرانسه ۸۰ درصد کل بیکاران را زنان تشکیل می‌دهند، در فرانسه آلمان غربی دستمزد زنان حدود ۳۰ درصد و در ژاپن حدود پنجاه درصد کمتر از مردان است. در کشور سوئیس دستمزد زنان

۳۳٪ و در سوئد ۱۷٪ و در کشور انگلیس ۴۱٪ کمتر از مردان است. از ۱۳/۲ میلیون کارگر بیکار در کشورهای بازار مشترک اروپا ۵/۲ میلیون نفر یعنی ۴۲/۴٪ زن هستند در حالیکه نسبت زنان شاغل در این کشورها تنها یک سوم کل شاغلین است. از سال ۱۹۷۰

برای یک زندگی بهتر



به مناسبت آغاز چهل و سومین سال زندگی تشکیلات دموکراتیک زنان ایران



پس از سقوط دیکتاتوری رضاشاهی در شهریور ۱۳۲۰ که احزاب و سازمانهای مترقی از نو امکان فعالیت یافتند، در سال ۱۳۲۲ تشکیلات دموکراتیک زنان ایران هم به همت عده ای از زنان مترقی تشکیل شد و کار خود را با طرح شعارهای مبارزه علیه فاشیسم، مبارزه در راه صلح و مبارزه برای کسب حقوق اجتماعی زنان و برقراری دستمزد مساوی با مردان در مقابل کار مساوی آغاز کرد.

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران از طریق تشکیل کنفرانسهای هفتگی و ایجاد کلاسها و انتشار مجله "بیداری ما" بعنوان ارگان تشکیلات دموکراتیک زنان ایران توانست عده گیری از زنان کارگر، دهقان و روشنفکر را متشکل سازد و از این راه سهم بسزایی در بالا بردن سطح آگاهی و آشنا کردن آنها با حقوقشان ایفاء نماید.

در سال ۱۳۲۵ تشکیلات دموکراتیک زنان ایران به عضویت فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان درآمد و با استفاده از راهنمودهای این سازمان جهانی در سطح وسیعتری به مبارزه پرداخت.

مبارزات پرشمار تشکیلات دموکراتیک زنان ایران لریزه بر اندام ارتجاع می انداخت. ارتجاع بنا بر ماهیتش مخالف آگاه شدن زنان از حقوق اجتماعی خود بود تا بتواند با عوامفریبی به عمر تنگین خود همچنان ادامه دهد. لذا در سال ۱۳۲۷ به بهانه ترور شاه، احزاب، جمعیتهای معتبر و مردمی از جمله تشکیلات دموکراتیک زنان ایران را غیر قانونی اعلام کردند و رهبران آنها به

حبس های طولانی محکوم شدند. ولی هیچ نیروی شیطان نمی توانست و نتوانست مانع مبارزات زنان ایران برای رهایی شود. تشکیلات دموکراتیک زنان ایران تصمیم گرفت سازمانی غنی بوجود آورد. در اردیبهشت ۱۳۳۰ سازمان زنان ایران اعلام موجودیت کرد و در کمترین مدت بین رگان محروم ایران ریشه دواند. این سازمان با تشکیل کلاسهای اکابر، تدريس زنان خارجی، ایجاد کتابخانه عمومی برای زنان شورای مادران، تشکیل کلاسهای خیاطی و گلدوزی و برگزاری هشتم مارس، روز جهانی زن، خدمات ارزنده ای به توده زنان ایران نمود. نکته مهم اینست که فعالیت این سازمان منحصرآ به آگاه کردن زنان به حقوقشان نبود و در پیوند تنگاتنگ با مبارزات ضد استعماری جریان می یافت.

پزشکان و معلمان را زنان تشکیل میدهند. (بیش از ۷۰ درصد معلمان، زنان هستند) ۶۷ تا ۷۰ درصد شاغلین بخش ماشینهای دقیق و صنایع را دیوسازی رازنان تشکیل میدهند. از هر دو مهندس شاغل در صنعت يك نفر زن می باشد. چهل درصد کل دانشمندان در این کشور دانشمندان زن هستند. (این در حالی است که در آمریکا تنها ۲٪ مهندسان و دانشمندان را زنان تشکیل میدهند.) در کشورهای سوسیالیستی کارهایی که از نظر جسمانی برای زنان مضر هستند، ممنوع اعلام شده است.

نقش زنان در این کشورها در دستگاههای دولتی و مقامهای پر مسئولیت بسیار چشمگیر است. در کشور اتحاد شوروی در حال حاضر بیش از ۵۰۰،۰۰۰ زن پست های مدیریت صنایع بزرگ، واحد های علمی و پژوهشی را اشغال کرده اند. بیش از ۶۰۰۰ زن کالخورها و ساوخورها را رهبری می کنند. در شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که بالاترین نهاد قدرت دولتی است، ۴۹۲ نفر از نمایندگان یعنی ۳۲٪ از آنان زن هستند.

در کشور بلغارستان ۵۳٪ دانشجویان زن هستند، دختران ۵۷٪ فارغ التحصیلان مدارس عالی و ۴۴٪ فارغ التحصیلان دانشگاهها را تشکیل میدهند. اکنون ۳۷٪ کارکنان بخشهای مهندسی مکانیک و فولاد سازی را در این کشور زنان تشکیل میدهند. ۵۰٪ اعضای سازمان جوانان، ۴۶٪ اعضای اتحادیه های کارگری، ۴۵٪ اعضای شوراهای منطقه اتحادیه های کارگری زنان هستند. سهم زنان در مجمع ملی، بعنوان نمایندگان مردم

بقیه در صفحه ۳۲

تا سال ۱۹۸۵، ۱۳۵۰۰۰ کارگر صنایع ساجی و ۱۷۰۰۰ کارگر کارخانه های صنعتی (که اکثر آنها را زنان تشکیل میدهند) به فعالیت مد رتیزه شدن صنایع کار خود را از دست داده اند. میزان شرکت دختران در مدارس عالی در ژاپن حدود ۲۲٪ و در فرانسه ۴۶٪ است.

طبق گزارش سازمان "کاربین المللی" از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۶ در اروپای غربی، آمریکا، کانادا، ژاپن، استرالیا و ژانده نو ۷۰ میلیون زن بیکار شده اند. در دنیای سرمایه داری نقش زنان در سازمانهای پیشرفته و دستگاه های دولتی و مقامهای پر مسئولیت بسیار کم است. بطور مثال در میان اعضای کنگره آمریکا در ربع قرن اخیر، عده زنان بیش از ۴٪ نبوده است.

در کشور سوئیس، جایی که زنان در سال ۱۹۷۰ برای اولین بار حق رای یافتند، تا به امروز در دستگاههای دولتی سمتی بدست نیاوردند. در پارلمان آلمان غربی در مقابل هر ۱ نماینده مرد يك نماینده زن حضور دارد.

در مقابل وضع اسفناکی که زنان در کشور های سرمایه داری دارند، در کشورهای سوسیالیستی برابری زنان نه تنها بطور قانونی به رسمیت شناخته شده بلکه سمي بر آن است تا در تمام امور زندگی به مرحله عمل در آید. دستمزد کار در این کشورها، بستگی به کیفیت کار انجام شده دارد و حقوق زنان و مردان برابر است. تعداد زنان منحص در این کشورها روز بروز افزایش می یابد. بطور مثال در اتحاد شوروی ۶۷ درصد گردانندگان دستگاههای تکنیکی رازنان تشکیل میدهند. در این کشور از هر سه کارگر متخصص یکی زن است. در کشور اتحاد شوروی اکثریت

سازماندهی شرکت زنان در تظاهرات ۲۳ تیر ۱۳۳۰، طبعه سفر هریمین به ایران، یکی از نمونه های درخشان عطکرد این سازمان است. روزنامه ها گزارش تظاهرات زنان را تحت عنوان "ژاندارکها" به وسعت منتشر کردند. شرکت در مبارزات ملی کردن نفت و سازماندهی اعتراضات خانواده های زندانیان سیاسی و پناه ادن به مبارزین سیاسی تحت تعقیب رژیم پلیسی از نمونه هایی از این همگامی و همسوئی است. در سال های بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در نتیجه تشدید جو خفقان و استبداد، رکود نسبی در فعالیت احزاب و جمعیت های مترقی بوجود آمد. تشکیلات دموکراتیک زنان ایران از آن سنتی نبود. در این دوران نمایندگان تشکیلات دموکراتیک با شرکت در کنگره ها و کنفرانسها بین المللی و نشان دادن زندگی سیاه و پیر نکبت زن ایرانی که ریشه در فساد و سبزه سپردگی رژیم شاه داشت، همبستگی جهانی را نسبت به زنان ایران جلب می نمودند. عطکرد درخشان سازمان زنان ایران و نفوذش بین زنان ایران، بعنوان مطمئن ترین سنگر احقاق حقوقشان آنچنان چشم گیر بود که محمد رضاشاه سرنگون شده نیز برای عوام فریبی و پیاده کردن اهداف ضد خلقی اش در میان زنان به سواستفاده از نام نیک آن دست زد و سازمان شه ساخته زنان تحت ریاست خواهرش، اشرف پهلوی، یکی از قاچاقچیان بین المللی و عامل معتاد شدن هزاران جوان و نوجوان ایرانی را "سازمان زنان ایران" نامید. این سازمان نیز مانند هراگان فرمایشی دیگر با عدم اعتماد و بی اعتنائی توده های زن ایرانی روبرو شد.

فعالیت تشکیلات زنان دموکرات ایران

بعد از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، تشکیلات دموکرات زنان ایران همانند سایر احزاب و سازمان های سیاسی که در زمان حکومت دیکتاتوری پهلوی اجازه فعالیت علمی نداشتند، زندگی علمی خود را مجدداً آغاز نمودند. فعالیت توده های سیاسی در میان اقشار مختلف زنان دست زد. تشکیلات دموکرات زنان ایران اقدامات زیر را بعنوان مهم ترین وظیفه در دستور کار خود قرار داد:

- ۱- متشکل کردن زنان، اعتلای سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی آنان، آشنا کردن زنان با حقوق خود و مبارزه برای کسب آن.
- ۲- کوشش در گسترش، تحکیم و تعمیق دست آورد های انقلاب بهمن ۵۷. برای انجام این وظایف تشکیلات زنان ایران از شیوه های متنوعی سود می جست. دفتر مرکزی تشکیلات دموکرات زنان ایران محل برگزاری سخنرانی ها، نمایشگاهها، کلاسهای آموزشی اجتماعی و تئوریک بود. با توسعه کار تشکیلات دموکراتیک و پیوستن عده قابل ملاحظه ای بعنوان عضو و هوادار به آن کار از فعالیت در دفتر مرکزی بس فراتر رفت. در نقاط مختلف شهر و روستا گروه های کوچک زنان به فعالیت پرداختند. ایجاد کلاسهای مختلف یکی از راههای موفق جمع کردن زنان و حفظ ارتباط با آنان بود. موفقیت تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در تشکیل کلاسهای سوادآموزی در سطح تهران و شهرستانها و روستاهای ایران آنچنان چشمگیر بود که مقامات

حکومتی وقت نیز ناچار به اعتراف آن شدند. ایجاد گروه های ورزشی در مجتمع های مسکونی و محلات، ایجاد درمانگاه و تشکیلات کنفرانسهای بهداشتی و پزشکی در محلات زحمتکش نشین، ضبط نوار و انتشار بروشور های بهداشتی، ایجاد کتابخانه های محلی برای جلب کودکان به مطالعه، تشکیلات گروه های تئاتر آماتور از کودکان محل و نمایش فیلم و نمایش عروسکی با مضامین سیاسی و انقلابی، ایجاد شورای مادران برای تأمین بهداشت و دیگر امکانات رفاهی و فعالیت چشمگیر در ایجاد تعاونی های تولید و مصرف و انجمن اولیا و مربیان از جمله خدمات تشکیلات دموکراتیک زنان ایران بعد از انقلاب بود.

فعالیت افشارگرانه تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در کارخانه ها و کارگاهها در مورد پیش نویس قانون ارتجاعی و ضد کارگری قانون کار چشمگیر بود. تشکیلات دموکراتیک زنان ایران با برگزاری هشتم مارس، روز بین المللی زنان سعی می کرد آن را بین توده ها زن ایرانی ببرد. در شهریور ۵۹ زمانی که ایران مورد تجاوز کشور عراق قرار گرفت و قسمتی از خاک میهن ما به اشغال بیگانه درآمد اعضای تشکیلات دموکراتیک زنان ایران به خدمت در جبهه ها شتافتند و قهرمانیها از خود نشان دادند. سیمین سلامی زاده عضو تشکیلات دموکراتیک زنان ایران هنگام کمک رسانی به زخمیان خرمشهر به شهادت رسید. برای کمک به جبهه، زنان به تشکیل کمیته های پشت جبهه دست زدند که در تهیه مایحتاج جبهه ها کمک به مجروحین جنگ خدمات ارزنده ای انجام داد. پس از فتح خرمشهر و راندن دشمن از خاک میهن، در نتیجه تغییر ماهیت جنگ، تشکیلات دموکراتیک زنان ایران به کار خود

در این زمینه مشخص پایان داد و در تبلیغات توده های خود به افشای ماهیت جنگ و اهداف توسعه طلبانه حکام جمهوری اسلامی پرداخت.

انتشار جهان زنان

به همت عده های از اعضای تشکیلات دموکراتیک زنان ایران مجله ماهانه جهان زنان منتشر شد. تیراژ مجله به سرعت از کلیه نشریات زنان که از حمایت دولتی و امکانات وسیع بهره مند بودند فزونی گرفت. زنان میهن ما از طریق مجله "جهان زنان" با موفقتهای زنان در کشورهای سوسیالیستی، جنبش حق طلبانه زنان در کشورهای سرمایه داری و مبارزات زنان در کشورهای تحت ستم و نقش آنسان در جنبش های رهایی بخش، رشد و گسترش جنبش صلح در سطح جهان و نظریات و اهداف فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان آشنا می شدند.

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران طی حدود چهارسال فعالیت علمی کتابهایی در باره مبارزات زنان ایران، فلسطین، شیلی، ویتنام و افریقای جنوبی و زندگی کودکان در سراسر جهان منتشر نمود.

کار وسیع توده های بین زنان و توسعه نفوذ مجله جهان زنان بین اقشار مختلف و طبقات و بردباری اعضای تشکیلات دموکراتیک زنان ایران که با تحمل تمام مصائب به کار دشوار خود ادامه می دادند کینه حاکمیت ارتجاعی را برمی انگیخت. در نتیجه دفتر مرکزی تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در اردیبهشت ۶۱ به دستور دادستانی تعطیل و مهر و موم شد. اما کار تشکیلات دموکراتیک زنان ایران با تغییراتی متناسب با شرایط ادامه یافت. آخرین شماره مجله جهان زنان در فروردین ۱۳۶۲

به مناسبت تولد روزا لوکزامبورگ



مقالات تئوریک با مجله حزب سوسیال دموکرات آلمان بنام " زمان نوین " همکاری می کرد. در سال ۱۸۹۸ با گوستاو ویلیک آلمانی ازدواج و به آلمان مهاجرت کرد. در سال ۱۹۰۴ در کنگره انترناسیونال دوم در آمستردام شرکت نمود و مبارزه سرسختانه‌ای را علیه روزینوئیس آغاز کرد. اندکی بعد به بیانه " سخنرانی های تحریک آمیز " علیه ویلیم اول به سه ماه زندان محکوم شد. در سال ۱۹۰۵ همزمان با انقلاب روسیه روزا بعنوان مبلغ در نشست سالانه حزب سوسیال دموکرات شرکت کرده خواست برپائی اعتصاب سراسری با خواست های سیاسی از جمله پیشنه های نوی بودکس

روزا لوکزامبورگ، نویسنده ما قتما - بدان، فیلسوف و مبارز برجسته جنبش کارگری و سوسیالیستی جهان در سال ۱۸۷۱ در شهر زاسویس لهستان در یک خانواده روشنفکر متولد شد. تحصیلات دبستان و دبیرستان خود را در شهر ورشو گذراند و در سال ۱۸۸۷ دوره دبیرستان را با نمره بسیار خوب به پایان رساند. در این دوران او علاوه بر زبان مادری به زبان های آلمانی، روسی و فرانسوی آشنائی کامل داشت.

در دوران دبیرستان در اثر مطالعه و آشنائی با انقلابیون لهستانی به فعالیت پی گیری سیاسی و انقلابی روی آورد و عضویت سازمانی بنام (حزب سوسیالیست پرولتار - یای انقلابی) درآمد.

در سال ۱۸۸۹ بعزت فعالیت های سیاسی اش تحت پی گرد پلیس تزار قرار گرفت و مجبور به ترک لهستان و مهاجرت به سوئیس شد. مهاجرت روزا با پایه گذاری دومین انترناسیونال سوسیال دموکراسی درباریس و برگزاری اولین جشن ماه مه در این شهر ماندگار بود، او در زوریخ وارد دانشگاه شد و در رشته علوم طبیعی به تحصیل پرداخت. در عین حال فعالانه به مبارزات سیاسی خود ادامه داد و بعنوان نویسنده

به ایستار و مطرح شد. در سال مبرهان سال بصورت غیر قانونی به ورشو رفت تا از غرض مردم علیه تزارسیم حمایت کند. در سال ۱۹۰۷ مجدداً به دو ماه زندان محکوم شد و در پایان همین سال بعنوان استاد در مدرسه حزبی، حزب سوسیال دموکرات شروع بکار کرد.

در سال ۱۹۱۲ کتاب " انبساط سرمایه گامی در روشنگری اقتصاد امپریالیسم " را نوشت. در این زمان او بر ضد نظریات جنگ طلبانه محافظ سرمایه داری مبارزه می کرد و بخاطر یک سخنرانی که در فرانکفورت بر ضد جنگ ایراد کرد به یک سال حبس محکوم شد. بعد از آزاد شدن از زندان در نشست دفاعی سیاسی بین المللی سوسیالیستها در بروکسل بعنوان نماینده حزب سوسیال دموکرات آلمان شرکت جست. هنگامی که اکثریت حزب سوسیال دموکرات بسود شرکت آلمان در جنگ رای داد روزا فراکسیون مخالف جنگ را با شرکت عده ای از اعضای حزب تشکیل داد و به مبارزه علیه جنگ پرداخت.

با آغاز جنگ جهانی اول، انترناسیونال ناله دوم سوسیالیستها بخاطر حمایت احزاب سوسیالیست کشورهای جنگ افروزا سیاست دولت هاشان از هم پاشید.

در فوریه سال ۱۹۱۵ روزا دستگیر و روانه زندان برلین شد. زندان توانست کتاب " بحران سوسیال دموکراسی " را

بنویسد. او در انتشار نشریه ماهانه بین المللی «تئوری و پراکتیک ما رکیسم» نقش اصلی را داشت. در ۱۸ فوریه ۱۹۱۶ از زندان آزاد و در ۱۰ ژوئن مجدداً دستگیر و زندانی شد. در سال ۱۹۱۷ به زندان برسلو منتقل شد. در این زمان مقالاتی برای نامه های اسپارتا کوس می نوشت و بر روی ترجمه ای به نام " داستانهای از رفقای من " از شاعر روسی کورلنگو کار می کرد. همان سال انقلاب کبیرا کتبر جهان را یگان داد. " متعاقب آن جناح چپ حزب سوسیال دموکرات آلمان با نام حزب مستقل سوسیال دموکرات انشعب کرد. روزا لوکزامبورگ در نوامبر ۱۹۱۸ از زندان آزاد شد و به برلین آمد و با همکاری کارل لیبکنشت اولین شماره " پرچم سرخ " را منتشر کرد. او برجسته بنیان گذاری حزب " گروه اسپارتا کوس " و کارل لیبکنشت از رهبران برجسته آن محسوب می شدند. برپا ره بر نامه حزب سخنرانی کرد. گروه اسپارتا کوس نقش برجسته ای در انقلاب ۱۹۱۹ - ۱۹۱۸ آلمان ایفا کرد. ارتجاع آلمان نهراس از نفوذ رشد یافته کمونیست ها، توطئه شومی را برای قتل رهبران حزب تدارک می دید. در همین حال محافل ارتجاعی در ارتش با تحریکات متوالی سعی کردند کارگران برلین را به قیام تدارک نداده، اوارند و آنان را سرکوب کنند.

روزا و لیبکشت که دست ارتجاع را خوانده بودند باقیام مخالف بودند. با وجود این گروه هایی از کارگران به مقابله با نیروهای سلح برداختند.

روزا و کارل، در همین زمان دستگیر شدند و در جریان انتقال از زندانی به زندان دیگر، مطابق نقشه از پیش تدارک شده به قتل رسیدند. توطئه گران جسد آنانرا به

کانال آبی در مرکز برلین انداختند.

روزا و لوکزامبورگ ۱۸ سالگی گفته شده اما تا نیرانندیده و عمل او در جنبش کارگری آلمان و سراسر جهان نابود شدنی نیست. هر جایی که کارگران به مبارزه بر می خیزند، آنجا که جنبش ضد جنگ گسترش می اید، آنجا که سوسیالیسم پیروزی شود، روزا زنده و همراهِ روزندگان است.

..... در ادوات چه می کند؟

فرزندان مغفول شوید. بر این پاسخ تهدیدگ نیز نهفته است تا زنان را از دامها فزاری برای کسب حقوق خود باز دارد.

سرویس حمل و نقل بسیاری از نارأت از همان ابتدا به بها نه حذف تفریغات و تجملات و برای صرفه جویی حذف شده. بسیاری از مدیران و مقامات حزب الهی برای اثبات نردجه تعهد خود با اتوبوس و گاه با نودرجه به محل کار می رفتند. امروز دیگر ظاهراً نیازی به این نوع تظاهرات و مکتبی نمائی ها نیست. وزرا * و مدیران را تو میبیل های آخرین مدل باراننده و مرا قبیلن مسلح حرکت می کنند. اما سرویس کارمندان هم چنان به بها نه صرفه جویی تعطیل است. سخنگبری ها و ففرا خدک اندیشان

ارتجاعی در جاسازی زنان از مردان تا آن نردجه شدت یافته کمی توان از بستن آزادی نوعی "آپارتاید" بر مبنای جنسیت در ایران سخن گفت. همین مرتجعین اما از اختصاص دادن دست و پائی جنابانه زنان کارمند خودداری می کنند.

اکثریت کارمندان زحمتکش و آگاه، از زن و مرد با این وضع مخالفند و خواهان ایجاد تغییرات بنیادی نرد ستگاه ناداری ایران هستند. مبارزه برای کسب حقوق مساوی نرد مقابل کار مساوی ما امکان انتقال، نارابودن امنیت عقلی و از زمین بردن جو مسموم زجاسوسی و خیرچینی نارادات، بر قرار ی دموکراسی و آزادی اندیشه و بیان و ایجاد امکانات رفاهی چون مهدکودک، سرویس حمل و نقل و... زمینه اصلی مبارزات زنان کارمند را تشکیل می دهد.

زنان ایران! برای احقاق حقوق انسانی خود مبارزه کنید.

جور و ستم و حسیانه با بر حسب "عدالت اسلامی"

قوانین جزا در رژیم جمهوری اسلامی



بر اساس قوانین جزای اسلامی "کدر میهن ماجاری است، هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد جرم محسوب می شود. در این سیستم قضائی، بر حسب نوع جرم، چهار نوع مجازات اعمال می گردد:

۱- قصاص - کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد. ۲- حد و د - مجازاتهایی است که مقدار و کیفیت آنها در شرع معین شده است. ۳- دیات - جزای مالی است که از طرف حاکم شرع برای مجرم تعیین می شود. ۴- تعزیرات - تادیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و بنظر سسر حاکم واگذار شده است. از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که بایستی از مقدار حد کمتر باشد. (مواد هفتم تا یازدهم قانون راجع به مجازات اسلامی)

در سیستم قضائی اسلامی که امروز در ایران اعمال می شود، برخلاف اصول شناخته شده بین المللی جرائم بر حسب شدت و وسعت دامنه عوارض آن طبقه بندی شده و تشخیص نوع جرم بعهده حکام شرع گذاشته شده است. حاکمان شرع رژیم ولایت فقیه به ویژه به ماده ۱۱ قانون به مجازات اسلامی یعنی تعزیرات علاقه و دلچسپی خاص نشان می دهند. زیرا دست آنان در اعمال شکنجه های غیر انسانی و استفاده از تازیانه و داغ و درفش در حق مبارزان سیاسی باز می گذارد و به آن پوشش شرعی می پوشاند.

این شیوه برخورد با جرم و مجرم از مقررات و قرارداد های اجتماعی چهارده قرن قبل در شبه جزیره عربستان اخذ شده است سرزمینی که دوران دشوار انتقال قدرت از شیوخ و روسای قبایل به یک دولت مقتدر مرکزی را طی می کرد. دورانی که افراد نه با هویت شخصی و انسانی خود، بلکه از طریق تعلقات قبیله ای و عشیره ای مشخص می شدند. هدف از وضع مقررات فوق، محدود کردن دامنه انتقامجویی ها و عقلائی کردن آن بود. دورانی بود که می بایست داد و ستد توسعه پیدا کند و آرامش در راه

ها و گذرگاههای کاروانهای حامل مال -
التجاره برقرار باشد . قوانین جزای اسلامی
در چنین دوران اصلی قصاص را مطرح کرد .
خون در مقابل خون . چشم در برابر چشم
و گوش در برابر گوش . نه بیش و نه کم . در آن
دوران سیاه جهل ، این خود قدمی بسه
جلو بود . اما احیاء جاری کردن این
قوانین و اصول سرده و متحجر ، پس از گذشت
قرنها ، در او خرقن بیستیم ، در دوران
شکوفائی فرهنگ و تمدن و رشد محیرالمقول
تکنیک و فن ، چیزی جز واپسگرایی محض و
تسلط جهل و تاریک اندیشی ترمیمین ما
نیست .

تنها با شناخت منشاء و شرایط وضع
این قوانین ، روح پدرسالاری و تحقیر و
ناچیز شمردن زنان را که در همه مباحث
و فصول آن بچشم می خورد می توان تبیین
کرد . در بسیاری از مواد این قانون حق
د و زن و گاه سه یا چهار زن برابر یک مرد
معین شده است . در برخی موارد ، مثل
شهادت در اموری که از نظر قانونگذاران مهم
تشخیص داده شده است ، زنان بگلی حق
شهادت را از دست می دهند و حضور صد
هاشاهد زن در محضه وقوع جرم یکسره بی
ارزش تلقی می شود .

برای نشان دادن میزان توحش و
سبعیتی که در بندند مواد این قانون
وجود دارد ، چند نمونه می آوریم .

برابر مادیه ۱ از فصل اول " قانون حدود
و قصاص و مقررات آن " قتل عمد موجب قصاص
است و اولیا ، دم (یعنی کسانی که از مقتول
ارث می برند به جز زن یا شوهر او) می توانند
با اجازه حاکم شرع قاتل را شخصاً به قتل
برسانند و یا انجام آن را به دیگری محول
کنند . اولیا ، دم همچنین می توانند بهای
خون مقتول را بگیرند و رضایت بدهند . بر

اساس این قانون مقتول در حقیقت از اموال
وارثین بوده و اگر آنها پولی به جیب زده و
رضایت داده اند ، جامعه حق هیچ نوع
اعتراضی ندارد !

مواد ۵ و ۷ و ۸ و تبصره های آن به
دقت مجازات قتل را در صورتی که قاتل و
مقتول هر دو مسلمان و یا هر دو کافر و یا
قاتل کافر و مقتول مسلمان باشد تعیین کرده
است . در سراسر قوانین مدن منتشره
توسط رژیم جمهوری اسلامی به مجازات
مسلمانی که کافری را می کشد اشاره نشده
است . گویا " مسلمانان " مورد تأیید رژیم
خمینی می توانند هر که را که " ناسلمان "
تشخیص دهند بدون ترس از مجازات بقتل
برسانند و نابود کنند .

ماده ۲۳ همین قانون خیال قشر بیون
خونریز را از هر نظر آسوده می سازد .
" قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که
مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد ! "

خون زنان و کودکان نیز نزد مرتجعین
خود گامه ارزش ندارد . ماده ۶ از فصل
اول قانون حدود و قصاص تأکید می کند :
" هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را
بکشد در صورتی قصاص می شود که وی زن
قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او
بپردازد . اگر زنی پدرند داشته باشد و
یا ولی زن بعلت فقر قادر به پرداخت نصف
دیه نباشد ، مبلغی معادل نصف بهای
خون مرد را می گیرد و قاتل از مجازات
معاف می شود .

پدر یا جد پدری که فرزند خود را
بکشد فقط به پرداخت دیه به ورثه مقتول
(از جمله به خودش !) محکوم می شود و هر
گاه عاقل دیوانه ای را بکشد قصاص نمی شود
و فقط باید دیه بپردازد . (مواد ۱۶ و ۱۸
از فصل دوم همان قانون)

همه راههای فرار از مجازات برای افراد
ساحب نفوذ و ثروتمند ، منحصر به موارد بالا
نیست . براساس مواد ۳ و ۴ از فصل نهم
قانون راجع به مجازات اسلامی از جمله کیفیات
مخففه که ممکن است موجب تخفیف مجازات
شوند عبارتند از " وجود انگیزه شرافتمندانه
در ارتکاب جرم " و " وضع خاص شخص یا
سابقه متهم ! "

با توجه به سیستم فکری عقب مانده حکام
رژیم جمهوری اسلامی که اشتغال بکاریا
تحصیل زن و حتی خروج از خانه یا پاسخ
گویی و اعتراض به زورگویی شوهر را نیز لطمه
به " شرافت ! " مرد ارزیابی می کنند ، می
توان تصور کرد که آن بخش از مردان قشری
و جاهل که برای خود " وضع خاص " یا
" سوابق ! " قائلند چه میدان فراخی
برای یکه تازی و ایراد ضرب و شتم و حتی
ریختن خون همسریا همسران خود پیدا
کرد هاند . اخبار دلخراشی که در مطبوعات
مجاز کشور می خوانیم : " مردی همسرش را
قطعه قطعه کرد " ، " مردی چشم همسرش
را از حدقه در آورد " ، " جسد زنی
در بیابانهای اطراف ... پیدا شد " ،
نشان دهنده تاثیر مخرب سلطه ارتجاع
بر مردم میهن ما است .

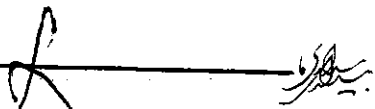


ارتجاع ایستادگی می کنیم

تاوان کنجاوی

- حسن آقا چرا می لنگی ؟
- کمیته جی ها پدرمو در آوردن . هشتاد
ضربه شلاق خوردم . شوخی نیست .
- براجی ؟ مرگ بر خمینی گفتی ؟
- آگه گفته بودم که دلم نمی سوخت .
- د بیروز از روزنامه فروشی سرکوجه مون به شماره
مجله ورزشی مخصوص خانومارو خریدم . هنوز
اونو ورق نزنه بودم که کمیته جی هار یخستن
رو سرم
- کمیته جی ها ماگه کف دستشونو بسو
کرده بونند ؟
- آخه برای حفظ " موازین اسلامی "
کنار د که هر روزنامه فروشی مامور کشیک
گذاشتن که مباد آقا بیون روزنامه خانوما
را بخونن !
- حالا چه مرگت بود که مجله ورزشی
خانومارا خریدی ؟
- راستش می خواستم بدونم خانومای
والیبالیست موقع آبشار کوپیدن چادرشونو
چه جوری نگه میدارند !

..... به مناسبت آغاز چهل و سومین سال زندهگی
تشکیلات دموکراتیک زنان ایران
منتشر و پس از آن توقیف گردید .
اکنون عده زیادی از رهبران و فعالین
تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در زندان
های مخوف رژیم اسیرند . اعضاء و هوال
داران تشکیلات دموکراتیک زنان ایران با
استفاده از تجارب پر بار چهار سال فعالیت
طنبی ، به نبرد دشوار خود علیه حکومت
ارتجاعی و جنگ خانمانسوز ادامه می دهند .
آنان اطمینان دارند که دوران حکومت
اختناق و تاریک اندیشی طولانی نخواهد
بود و پیروزی از آن مردم زحمتکش و زنان
مبارز ایران است .



خامنه‌ای:

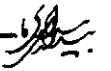
جائی که زنان باشند من نمی آیم

براین آنها با پذیرائی همراه شراب و حضور اعضای ارکستر در سالن نشیمن هتل لوکس محل اقامت خود مخالفت نمودند .
 خامنه‌ای ، رئیس جمهور ، از همان ابتدا نیز در فرودگاه از دست دادن با خانم وزیر زنان زیمباوه خود داری کرده بود .
 بدین ترتیب " رابرت موگابه " رئیس دولت و مهمانان افریقائی او به تنهائی و بدون انجام " مذاکرات سرمیز " شام راضف کردند . از خامنه‌ای و همراهانش در اتاق هتل با گوسفندی که به طریق اسلامی سج شده بود پذیرائی شد .

یکی از روزنامه‌های آلمانی پیرامون سفر خامنه‌ای به زیمباوه نوشت :
 "خامنه‌ای" ، رئیس جمهور ایران با اعلام این نظر میزبانان خود را حیرت زده کرد :
 " من به آنجائیکه خانمها سر میز نشسته باشند نمی آیم ! " .
 رئیس جمهور ایران ، علی خامنه‌ای و هیئت همراهش در جریان دیدارشان از زیمباوه ، ضیافت دولتی را بایکوت کردند . پانزده مرد مسلمان از نشستن سر میز میزبانان اجتناب ورزیدند . علاوه

♦♦♦♦♦ نگاهی به وضعیت زنان جهان

۲۲٪ کی نمایندگان است .
 در کشور یوگوسلاوی ۲۳/۸٪ کارگرانی که سال گذشته استخدا شدند زنان بودند ، زنان ۶۸/۸٪ کارکنان و کارگران صنایع شیمیائی را تشکیل میدهند . در شوروی مرکزی کارگران ۲۴ هیئت از اتحادیه‌های کارگری شرکت دارند که ۲۸ تا ۴۰٪ اعضای آن زنان هستند .
 در جمهوری سوسیالیستی ویتنام ۲۱/۸ درصد نمایندگان مجلس دولتی زنان هستند .
 ۴۶٪ کارمندان در قسمتهای دولتی در این کشور را زنان تشکیل میدهند . ۳۰٪ کارکنان گروه اقتصادی و تکنولوژیکی زنان هستند .



بزرگترین اختراع قرن بنا بر جمهوری اسلامی به ثبت رسید!

گفت: " من طرح جداسازی زنان از مردان را در اتوبوس‌های کراچی دیدم . در آنجا قسمت خانم‌ها با میله و توری از قسمت آقایان جدا شد که بیشتر به قفس شباهت دارد . در عربستان سعودی قسمت خانم‌ها با پرده از قسمت آقایان جدا می‌شود . به نظر من طرح جمهوری اسلامی را باید بعنوان بزرگترین اختراع قرن به حساب آورد .
 خبرنگار علمی ما از تهران گزارش داد که چاپ عکس زیر در روزنامه کیهان باعث نگرانی مقامات عالیه جمهوری اسلامی شده است .
 دلیل این امر آنستکه در ردیف سوم قسمت مردان در ختربچه زیبایی بدون حساب اسلامی از سد غیرقابل عبور اختراعی "علماء" گذشته و خود را به نزد پدرش رسانید هاست چاپ این عکس همه اعتباری را که "علماء" با اختراع مزبور کسب کرده بودند از بین برد .
 به نیشخند مسافران مرد نگاه کنید !

خبرنگار علمی ما از تهران با ارسال عکس زیر گزارش داد: "علماء" مبتکر جمهوری اسلامی با اختراع وسیله‌ای عجیب انگیزشی مسئله جداسازی زنان از مردان را در اتوبوس‌های شرکت واحد برای همیشه حل کردند .
 مدبرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی به خبرنگاران داخلی و خارجی که از همه نقاط جهان برای کسب خبر در مورد این اختراع شگرف خود را به تهران رساننده بودند گفت :

" اینبار طرحی را در نظر گرفتیم بدین ترتیب که مابین صندوق‌ها گذاشته شود که بصورت کشویی قابل تغییر باشد که بر اساس تعداد مسافران زن و مرد راننده آنرا تنظیم نماید ، همچنین صندوق هائیی در انتهای اتوبوس برای انداختن بلیط خواهر هاتعبیه شده است " کیهان ۱۰ دی ۱۳۶۴ .
 یک روزنامه‌نگار ایرانی به خبرنگار علمی ما



کیهان

اخبار کشور

طرح آزمایشی جداسازی زن و مرد در اتوبوسهای شرکت واحد به اجرا گذاشته شد



شکایت پیرزن



روزشکار، پیرزنی باقیاد گفت
 کز آتش فساد تو، جزد و آه نیست
 روزی بیا به گبه؟ ما از ره شکار
 تحقیق حال گوشه نشینان گناه نیست
 هنگام چاشت، سفره بی نان ما بین
 تابنگری که نام و نشان از رفاه نیست
 در دم لحاف برد و شبان گاو پس نداد
 دیگر به کشور تو، امان ویناه نیست
 از تشنگی، گد و بنم اسال خشک شد
 آب قنات بردی و آبی به چاه نیست
 سنگینی خراج به ماعرصه تنگ کرد
 گندم تراست، حاصل ما فیرگاه نیست
 در دامن تو، دیده جز آلودگی ندید
 بر عیبهای روشن خویشت، نگاه نیست
 حکم دروغ دادی و گفתי حقیقت است
 کارتباه کردی و گفתי تبهساه نیست
 صد جور یدم از سنگ و دربان به در گفبت
 جز سفله و خیل، در این بارگاه نیست
 ویرانه شد ز ظلم تو، هر مسکن و دهی
 یغما گراست چون تو کسی، پادشاه نیست
 مردی در آن زمان که شدی صید گرگ آز
 از بهر مرد، حاجت تخت و کلاه نیست
 یک دست از برای تونگداشت دشمنی
 یک مرد رزمجوی، تراد رسپاه نیست
 جمعی سیاه روز سپهکاری توانند
 باور مکن که بهر تو روز سیاه نیست
 مزد و ر خفته را ندهد مزد، هیچکس
 میدان همت است جهان، خوابگاه نیست
 تقدیم عمر ماست جهان، هر چه میکنیم
 بیرون زد فتر کهن سال و ماه نیست
 سختی کسی زد هر، چو سختی دهی به خلق
 در کيفر فلک، غلط و اشتباه نیست.

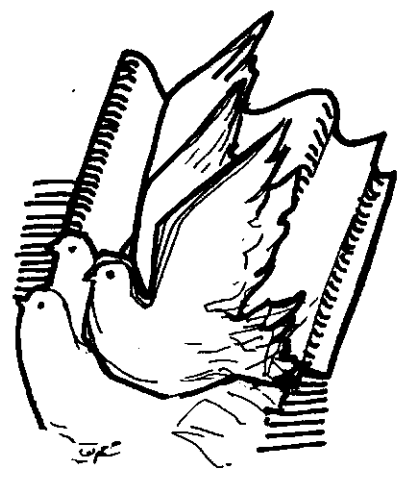
پروین اعتصامی

زن ایرانی

تو فخر خلقتی ای زن،
 تو مادر بشری،
 به بزم - قوی غزل خوان
 به رزم - شیر نری،
 فروغ مهر تو
 زیبایی مقدس تو
 همیشه منشا الهام شاعران بود هاست،
 تو خود سرود و شعری
 حماسه و هنری،
 مباد، ای زن ایرانی، ای زن بیدار،
 که سر نوشت تو در دست دیگران باشد،
 به قرن فتح فضا،
 که زن بجای فرشته به آسمان رفته است،
 چرا وجود تو در چادری نهان باشد؟
 شکوه پاکی روح تو، پوشش تن توست
 و رهنمای تو، اندیشه های روشن توست،
 کسی که گفت، "زمینت شراره می بارد"
 درست گفت
 شراره به جان ناپاکان
 شرار خشم، به بد گوهری که پندارد،
 عروسکی تو،
 متاعی و نیمه انسانی
 ز رشد قرن به دوری،
 جواز دورانی،
 من این حدیث کهن را چرا کنم آفاز؟
 که مرغ جامعه با هرد و بال نیرومند،
 یکی زن و دیگری مرد می کند پرواز.
 چو شیرو شیره جان ترا خورد فرزند،
 فراتراست مقامت از آسمان بلند،
 که گاهواره فرد است دست و دامن تو.
 تو مادری و توست سربازی و توست انشعند
 که روشن است به روی تو، چشم میهن تو

تو در زیند دلیرانه زمانه ما
 بسا شهید که دادی
 به راه آزادی
 بسا به سنگر خونبار
 کرد های پیکار
 که از اسارت اعصار غم رها کردی
 و پیشتانز رهائی نسل ها کردی...
 امید وارم و دارم به این امید ایمان
 که در کسوف نمائی، توای زن ایرانی

ژاله ۱۳۶۲



در سال ۱۸۷۱ میلادی مردم پاریس نخستین دولت انقلابی زحمتکشان را تشکیل دادند.

این حکومت کارگری که کمون پاریس خوانده شد هفتاد و دو روز بیش نپایید. با این وجود در تاریخ مبارزات رهایی بخش جای والا‌ئی دارا است.

کمون پاریس نشان داد مبارزه بین زحمتکشان و بورژوازی، بین استثمار شوندگان و استثمار کنندگان به چنان اوجی از شدت و وحدت رسید که سقوط بورژوازی و استقرار حکومت مردم زحمتکش مسئله روز گشته است. کمون پاریس اولین تجربه در تاریخ مبارزات رهایی بخش بود که هدف آن تأسیس دولتی کاملاً نو بود. تلاش کمون بر آن بود که همه زحمتکشان، تصفیه شدگان و توهین دیدگان را رهایی دهد.

زنان نیز در عرصه مبارزه پایه پای مردان رزمیدند. ورود زنان به عرصه سیاست از پدیده‌های بسیار مهم کمون پاریس بود. آنان با شرکت فعال خود نه تنها در نبرد های خیابانی بلکه همچنین در تقسیم غذا، کمک به مجروحان، ایجاد کمیته های انقلابی و برپائی تظاهرات سیاسی سهم شایسته‌ای داشتند.

زنانی چون لوئیز میشل و لئودیل شامپسی در سازمان دهی جنبش زنان در چهارچوب اهداف کمون فداکاری و از خود گذشتگی کم نظیری از خود نشان دادند.

زنان دوش به دوش مردان مبارزه می کردند شرکت های تعاونی ایجاد می کردند. رستوران های کارگری برپا می کردند، آنها می خواستند بدانند و بیاموزند.

زمانی که خورشید انقلاب، زندگی نوینی را

فرا راه توده های انقلابی قرارداد تی پر نخست وزیر خائن و ضد انقلابی فرانسه که برای سرکوب مردم به پا خاسته پاریس با تجاوزگران پروسی سازش کرده و به ورسای گریخته بود، و معزول اعلام شد. در برابر زحمتکشان پاریس دو نیروی موذنه ارتجاعی فئودال-بورژوا قرار داشت. بیسمارک صدراعظم پروس سربازان اسیر فرانسوی را به دولت ورسای پس داد و ضد انقلاب حمله خود را علیه کمون شروع کرد.

کمون پاریس با یک هفته مقاومت دلیرانه و تلفات بسیار از نیروی برتر ارتجاع شکست خورد. انتقام فاتحین سرمایه دار چنان بیرحمانه بود که در تاریخ بی سابقه است.

تجارب گران بهائی از این جنبش انقلابی در تاریخ مبارزات انقلابی به جامانده است. تجاربی که باید بایند گرفتن از آنها امکان شکست را هرچه کمتر کرد.

کمون پاریس با وجود همه اشتباهات و ضعف ها شکوهمندترین نمونه جنبش کارگری قرن ۱۹ را ارائه می دهد. با وجود قربانیان بیشمار، اهمیتی که کمون پاریس برای مبارزه مجموعه جنبش کارگری دارد وصف ناکردنی است. کمون پاریس جنبش سوسیالیستی را در اروپا به حرکت درآورد، قدرت جنگ داخلی را بر علیه سرمایه نشان داد و توهما میهن پرستانه را از میان برد و به اعتقاد ساده لوحانه نسبت به کوشش های عمومی ملی بورژوازی خط بطلان کشید. کمون به کارگران و زحمتکشان آموخت که باید وظایف جنبش سوسیالیستی را به طور دقیق مطرح سازند.

امر کمون پاریس امر انقلاب اجته اعی بود، امر رهایی کامل سیاسی و اقتصادی زحمتکشان و با این مفهوم کمون نیستی ناپذیر است.



سال ۱۹۸۶ از طرف سازمان ملل متحد به عنوان سال صلح اعلام شده است. این تصمیم بدلیل خطر فزاینده سابقه تسلیحاتی که از سوی امپریالیسم دامن زده میشود و صلح جهانی را به خطر می اندازد گرفته شده است.

ما به همراه همه صلح دوستان جهان از این ابتکار سازمان ملل متحد استقبال می کنیم و خواهیم کوشید به سهم خود در سال جهانی صلح امر صلح را که برای مردم ما و تمام جهانیان از اولویت خاصی برخوردار است بیش از پیش برجسته کنیم.

نظر به اهمیت این تصمیم بجا و پشتیبانی و حمایت همه جانبه از آن، مجله ما می کوشد تا بطور مداوم در هر شماره مطلبی در مورد صلح و اهمیت آن در زندگی و بقای بشریت و عوارض ویرانگر جنگ درج نمائیم.

باشد که در سال جهانی صلح شاهد پایان جنگ خانمانسوز در میهنمان و اقدامات جدی در جهت تشنج زداشی و تجدید سابقه تسلیحاتی و استقرار صلح پایدار در جهان باشیم.

نخست صلح

ما می گوئیم :
کلوچه ، نه بمب
برای کودکانی که از گرسنگی رنج می برند
قلم ، نه تفنگ
برای توده بیسواد .

آرابسه ، نه تانک
برای ملت های باز مانده در راه .

گل ، نه گلوله
برای رزمندگان راستین راه آزادی .

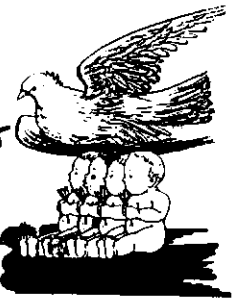
نه ، به پایگاه های به ظاهر آراسته
خارتگران بیگانه

نه ، به کالاهای خونفشان
سوداگران مرگ هنگان

نه ، به هیروشیماهای آینده
خانها بود شده ، استخوان زغال شده
و گوشت سوخته ؛

تا در زهدان ما زندگی پرورده می شود ،
گلوله ها فریاد صلح سر می دهند .

ما چون کبوتران نیز پرواز می پریم
و هفت قاره را زیر پر داریم .



در پناه صلح
کودکان میتوانند
بزندگی سعادتمندی
برسند

ورزش زنان عرصه ممنوعه!

پس از انتشار اولین شماره "بیداری ما" علاوه بر نامه‌های تشویق آمیز و دلگرم‌کننده از کشورهای مختلف، برخی از خوانندگان، مقالاتی برای ما فرستادند. مقاله‌ای که از نظر شما می‌گذرد از آن جمله است:

•••

در شرایطی که هر روز در جوامحتمدن و رشد یافته جهان چهره‌های درخشمان جدیدی از میان زنان ورزشکار به جهانیان معرفی میگردد، در کشور ما ورزش زنان بیش از دیگر عرصه‌ها در معرض گزند حساسیت‌های تنگ‌نظرانه رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی است.

آقای رفسنجانی بانگ برمی‌دارد: "ورزش با حفظ موازین اسلامی برای خواهران هیچ مانعی ندارد" (اطلاعات ۶۱/۷/۱). تجربه نزدیک به ۷ سال پس از انقلاب خوبی نشان‌میدهند کسران خشک مغزجمهوری اسلامی توانسته‌اند با تکیه بر اینگونه نظریات و تاکید بر "حفظ موازین اسلامی" در جهت طرد هرچه بیشتر زنان از صحنه‌های ورزشی قدم بردارند.

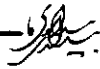
طبق تصمیمات مراکز تربیت بدنی کشور، شرکت در مسابقات داخلی و بین‌المللی برای دختران بالای ۱۶ سال ممنوع شده است" (اطلاعات ۶۲/۶/۲).

امروزه ساعات ورزش در مدارس دخترانه و دانشگاه‌ها به‌میطالت و وقت‌گشی میگذرد. بیهانه غیرشرعی بودن لباس ورزش در راه فعالیت‌های ورزشی زنان و دختران جوان

سنگانند ازی می‌شود. از شرکت زنان در برخی رشته‌های ورزشی نظیر ژیمناستیک، دو و میدانی، شنا و غیره جلوگیری شده است. حضور زنان در مجامع ورزشی منافعی عفت و برانگیزاننده شهوت حیوانی اعلام می‌گردد تا بدان حد که داوید سرپرست اداره تربیت بدنی کشور می‌گوید: "باید در راز مدت با ایجاد سالن در تهران و شهرستان‌ها به فعال کردن ورزش خواهران کمک کرد، ولی اینکه بخواهند مسابقات را بزرگ کنند و در مجلات ورزشی همراه مرد ها عکس‌شان را چاپ کنند مورد قبول جامعه متعصب ما نیست و این کار غلط است. نحوه ارائه تبلیغات در این مورد را ما ارائه دادیم که باید روی آن کار شود. بهترین راه را پیشنهاد می‌کنم که یک مجله جداگانه برای ورزش خواهران چاپ شود" (آزادگان ۱۷ آذر ۶۳).

باید از حضرات پرسید شما که به‌بهانه چاپ عکس ورزشکاران زن در مجلات، راه‌شد فعالیت‌های ورزشی آنان را سد می‌کنید، آیا فکری برای فروش مجلات ویژه ورزش زنان که باید در ریشخوان روزنامه‌های هاد معروض دید عموم قرار گیرد کرد هاید؟!؟

رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی حق ورزش و تفریح، حق پرورش جسم و نشاط روان را عملاً از مردم میهن‌ما، بویژه زنان و دختران جوان سلب کرده است. حکام کهنه‌پرست جمهوری اسلامی با انواع کارشکنی‌ها از تافین بودجه و وسائل و امکانات لازم ورزشی بویژه برای زنان سرپا زده و می‌زنند. در تهران با ۸ میلیون جمعیت فقط ۴۸ هزار نفر از زنان سرگرم‌تربیات ورزشی هستند.



در این رابطه داوید گفته است: "در حال حاضر (اینکه) خواهران مانند مردان سالن‌های ورزشی داشته باشند، غیرممکن است برای اینکه ایجاد این همه تاسیسات ممکن نیست. تا زمانی که خواهران در مدارس هستند امید داریم... در ورزش مدارس شرکت کنند و تربیت بدنی هم را آنجا آموزش داده شود (اطلاعات ۶۲/۴/۸). بدین ترتیب مسئولین ورزشی کشور صراحتاً تا مین تسهیلات ضرور برای ورزش بانوان را رد می‌کنند. در مدارس دخترانه کشور نیز ابتدا اشی ترین نیاز-های ورزشی تا مین شده و هم‌چنان مطرح است. در این میان دیدگاهی که خانم رجایی به عنوان به اصطلاح نماینده زنان ایران در مجلس مطرح می‌کند نتهنها تا مین کننده شرکت زنان در عرصه‌های ورزشی نیست بلکه با امر ورزش زنان جامعه کاملاً بیگانه است. اومی گویند: "ورزش به تنهایی نمیتواند ارزش داشته باشد و باید برای هدفی مقدس دنبال شود. اگر توانستیم ورزش را در جهت هدایت کنیم که جهان را به زهد (!) بکشاند آنوقت است که ورزش ما دارای ارزش می‌باشد".

خانم رجایی در تلاش است تا از طریق ورزش، جهان را به زهد بکشاند. باید به ایشان گفت از دید تاریک اندیشانه و ارتجاعی شما تنها زمانی جهان به (زهد)

کشانده می‌شود که زنان از صحنه گیتی حذف شوند.

نتیجه عملی اینگونه نظریات را در آخرین دوره از بازیهای آسیایی در هندوستان می‌توان دید که در میان هیئت ورزشی شرکت کنند از سوی ایران حتی یک زن هم دیده نشد. بجز اردتیم ایران در مراسم آغازین این دوره از بازیهای آسیایی برخلاف دیگر کشورها مرد بود.

تجربه ثابت کرده است هر سال که میگذرد قید و بند‌های بازهم پیشتری بردست و پای زنان ورزش و دست‌گشورده می‌شود. زنان ورزش و دست‌گشور باید هم‌چنان حضور خود را به هر شکل ممکن در فضای ورزشی میهن‌مان حفظ کنند. با ایجاد تیم‌های ورزشی محلی و مراجعه به باشگاه‌ها و مراکز میادین ورزشی اعتراضات سازمان یافته علیه برنامه‌های ضد ورزشی زنان، ارسال نامه‌های متعدد به مراکز تربیت بدنی، استفاده از تسهیلات فضای ورزشی مدارس بویژه در ایام تعطیلات می‌توان رژیم راحت فشار قرار داد. شک نیست که در مصاف مغزهای غلیظی که از گورستان تاریخ سربرآورد هاند پیروزی با تمدن واقعی بشریت مترقی معاصر است.

با تمام قوا در مقابل ارتجاع ایستادگی می‌کنیم

همبستگی بین المللی با زنان ایران

"ما مطمئن هستیم شما پیروز می شوید"

هند وستان

به دنبال ارسال نامه سرگشاده ت. د. ز. ا. که از توحش رژیم ج. ا. د. در زندانها پرده برمی داشت، به سازمانها و شخصیت های مترقی و انسان دوست، ت. د. ز. ا. باموجی از همبستگی و حمایت روبروشد.

- سازمان ماهیلاستگاتان "وابسته به فدراسیون ملی هند" در ایالت ماریاپرادش طی نامه ای نوشت: "سازمان ماهمبستگی و همدردی خود را با تشکیلات د. موکراتیک زنان ایران که در سیاهترین شرایط تاریخی به مبارزه ادامه می دهد، اعلام می کند. سازمان ماهیلاستگاتان ضمن محکوم کردن اعمال بی رحمانه و غیرانسانی عمل رژیم جمهوری اسلامی در زندانها، خواستار آزادی کلیه زندانیان سیاسی از جمله اعضای ت. د. ز. ا. گردید.

- "شرامیک ماهیلاسامیتی" (انجمن زنان کارگر) در پیام خود ضمن اعلام همبستگی با ت. د. ز. ا. و پشتیبانی از تقاضاهای برحق زنان ایران، خواستار پایان دادن فوری به جنگ بین ایران و عراق شد.

- انجمن زنان د. موکراتیک سراسری هند - ایالت ماریاپرادش، ضمن ارسال پیام همبستگی با ت. د. ز. ا. نوشت: "هر کجا بی عدالتی است، نیروی انقلابی علیه فرم فشارها و شکنجه ها علیه آن می جنگد. این چیز است که در ایران نیز جریان دارد. انجمن زنان د. موکراتیک سراسری هند با تاکید بر حمایت از مبارزه اعضای ت. د. ز. ا. اضافه کرد: "ما مطمئن هستیم شما پیروز می شوید."

- رام نیگا گوپتا، دبیرکل مرکز اتحادیه کارگری هند، طی نامه ای به ت. د. ز. ا.



می نویسد: "قلبهای ما گریان و روحمان منجز از شکنجه هائیکست که در ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی بر زنان روا می دارند. ما پشتیبان شهادت مبارزه تان برای حقوق د. موکراتیک و آزادی زنان ایران هستیم."

- پ. کد گوپتا، دبیر حزب کمونیست هند - ایالت ماریاپرادش، ام. ل. جین دبیر اتحادیه سراسری کارگران هند - ایالت ماریا پرادش، ک. س. نیال، دبیر اتحادیه کشاورزان سراسری هند - ایالت ماریا پرادش، او. پ. سنینگ، مسئول فدراسیون دانشجویان و جوانان سراسری هند - ایالت ماریا پرادش نیز از جمله شخصیت هائی هستند که با ارسال نامه و پیام مراتب همبستگی و حمایت خود را از تشکیلات د. موکراتیک زنان ایران در مبارزه برای حقوق د. موکراتیک و پیشرفت اجتماعی، اعلام داشتند.

- مجله یوت لایف - ارگان فدراسیون جوانان سراسری هند، در شماره ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۵ خود مقاله ای تحت عنوان "عذاب جسمی زنان در زندانهای ایران" درج نمود و اطلاعات دقیقی در باره وضع دردناک زنان در زندان های مختلف رژیم ج. ا. ارائه کرد.

روز ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۵ فدراسیون ملی زنان هند سمینار یکروزه ای با عنوان "شرکت فعال زنان در امر صلح و توسعه" برگزار نمود. در این سمینار خانم آرونا آصف طی رئیس فدراسیون ملی زنان هند، پروفیسور مونس رضا، رئیس دانشگاه دهلی، پروفیسور رشید الدین خان مسئول مرکز تحقیقات سیاسی دانشگاه جواهر لعل نهرو، خانم پریم رامش چند را دبیرکل

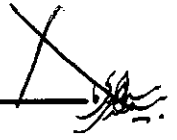
سازمان صلح و همبستگی سراسری هند سخنرانی کردند. نماینده ت. د. ز. ا. نیز در این سمینار شرکت داشت. سخنان وی در تشریح وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان و سیاست زن ستیز ج. ا. و نقش زنان ایران در مبارزه علیه رژیم و جنگ ایران و عراق با استقبال گرم شرکت کنندگان روبروشد. در پایان، رئیس جلسه همبستگی و پشتیبانی کامل زنان هند را با ت. د. ز. ا. اعلام نمود.

اطریش

نمایندگان ت. د. ز. ا. در جشن چهلمین سالگرد انتشار نشریه "صدای زنان" ارگان تشکیلات د. موکراتیک زنان اطریش شرکت کردند. میز ت. د. ز. ا. که جزوه ها و بروشورهای اطلاعاتی درباره وضع زنان ایران و اعلامیه های ت. د. ز. ا. و کارهای دستی ایران را ارائه می کرد مورد توجه شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت. پیام تبریک ت. د. ز. ا. در این مراسم قرائت شد.

برلن غربی

از یازدهم تا هفدهم نوامبر ۱۹۸۵ در برلن غربی مراسم "هفته صلح" برگزار شد. واحد برلن غربی ت. د. ز. ا. فعالانه در این مراسم شرکت داشت. روز ۱۳ نوامبر اعضا و هواداران ت. د. ز. ا. در گرد هم آئی که بمنظور نشان دادن جنایات فاشیست ها در برلن غربی تشکیل شده بود حضور یافتند. حاضرین در جلسه با امضای طومار خواهان پایان دادن به جنگ ایران و عراق شدند و حمایت خود از زنان ایران را اعلام داشتند. روز ۱۶ نوامبر اعضا و هواداران ت. د. ز. ا. در میدان مرکز شهر برلن غربی به



تظاهرات ایستاده دست زدند. تظاهر کنندگان نمایشگاهی از عکس و پوستر همراه داشتند که جنایات رژیم ج. ا. در زندانها و سو استفاده آنان از کودکان در جنگ بی سرانجام را نشان می داد. این نمایشگاه مابان و بینندگان را به شدت تحت تاثیر قرار می داد. تظاهرکنندگان از مردم و رهگذران علیه جنگ و به حمایت از زنان و کودکان ایران امضاء می گرفتند. خبر این تظاهرات در مطبوعات مترقی برلن غربی منعکس گردید.

غروب روز ۱۷ نوامبر مراسم با شکوهی با شرکت کمیته سازمانهای مترقی زنان برلن غربی از جمله ت. د. ز. ا. در خیابان مرکزی شهر برپا شد. تظاهرکنندگان به علامت

حمایت از صلح، شعل های فروزان در دست داشتند. آنان طرحهای ماجراجویانه ایالات متحده امریکا تحت عنوان اس. سی. آی (جنگ ستارگان) را محکوم کردند.

اعضا و هواداران ت. د. ز. ا. در طول هفته صلح در نقاط مختلف شهر در خیابانها و معابر با مردم به گفتگو پرداختند و توجه آنان را به فجایعی که جنگ ایران و عراق به بار آورده است جلب کردند.

آنان روز ۲۳ نوامبر در جشنی که به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اکتبر از طرف نیروهای مترقی ترکیه، قبرس، سوریه و ایران برپا شده بود شرکت داشتند و به جمع آوری امضا و پخش انتشارات ت. د. ز. ا. اقدام کردند.

باطلوع برمی خیزیم...

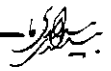
و در غروب هم...

همیشه برخیزندگانیم، تارهایی همه

دیگر نمی نشینیم!



زنان رنج کشیده ایران! علیه جنگ و بخاطر صلح بپاخیزید!



نامه ای از ایران

مریم عزیزم

امید وارم که بهتر از همیشه باشی تا بتوانی دوره تلخ دوری از وطن و خانواده ات را راحت تر بگذرانی. گرچه این روزها اصطلاح راحت تر زندگی کردن غیر واقعی و غیر ملموس بنظر میاد. چه برای ما در ایران که هر روز شرایط سخت تر و جوسنگین تر می شود و چه برای شما که هزارویک مشکلی و مسئله دارید. اینجا همه خونینو همچنان دل تنگ دوری از تو. و اما در مورد خودم، بهتر از هرکس میدانی که چقدر به هنسر و بخصوص به سینما و فیلم برداری علاقمندم.

آرزویم گذراندن دوره سینما و فیلم برداریست شب و روز فکرم متوجه این مسئله است که از چه راهی میشود به دانشکده راه پیدا کرد. راهی که میدانی گنم هیچ حتی روزنه کوچکی هم در برابر من نمی بینم. گاهی به سرم میزنند دل به آب و آتش بزنم، خانواده ام را بگذارم و راهی خارج شوم. قانونی که ممکن نیست. قاچاقی؟ نمیدانم. بخصوص از روزیکه مسئله گرفتار شدن... پیش آمده آرزویم هزار بار بیشتر شده. فکرمیکنی قهرمانانی که در فیلم های سینمایی تحسینشان می کنیم چیزی بیشتر از مبارزین کشورمان دارند؟ به تناسب فشار و حشمانه ای که رژیم برای بقای بیشتر وارد می کند، فداکاری ها و گذشت مبارزین ایرانی واقعا کم نظیر است. اما اصل موضوع در مورد... می گفتم. همان دختر قد بلند آرام که در راه دبیرستان می دیدید پیش و در انبار تعاونی محله کلاس سواد آموزی گذاشته بود.



اغلب می گفتم آرامش این دختر و بی غمی اش عجیب است. خوش به حالش حتما در زندگی مشکلات من و تو را ندارد. ولی تو گفتی که به ظاهر آدم مهربانانه نگی. تواز کجاست میدانی. شاید غوغای درونش را با ظاهر آرام می پوشاند. حالا می فهمم حق با تو بود. بعد از چند ماه... را برخلاف همیشه با چادر دیدم که بطرف خانه اش می رفت. قبول شدنش را در مرحله اول کنکور پزشکی تبریک گفتم. صمیمانه تشکر کرد و بسرعت بطرف خانه رفت. چند ماهی بود که پیدا اش نبود. بعد ها فهمیدم که مخفی شده بود. آن روز هم آمدن نبود تا شناسنامه امودم ارکش را برای ثبت نام در دانشگاه میبرد. با همه هوشیاری و زیرکیش خام شده بود. فکر میکرد چون اسمش در لیست قبول شده هاست بنا براین او را نشناخته اند و دنبالش نیستند. یک ساعت بعد از دیدن او پاسدارها کوچم را محاصره کردند...

ابتدا در طرف کوجه را بستند و جلوی تک تک خانه‌ها را پاسد ارسلاح به سلسل و نازنجک و بی سیم گذاشتند . مرتب توی بلند گوا اعلام می کردند : هیچکس حق ندارد از خانه خارج نشود . همسایه‌ها نگران بودند و نمسی دانستند چه اتفاقی افتاده . بعضی ها حدس میزدند انبار مهمات بزرگی گمیف شده است . آخر سیج آنهمه نیرو و اسلحه غیر طبیعی بود . پاسدارها بطرف خانه رفتند . خانه آنها نمی توانست انبار مهمات باشد . زیرا آنقدر کوچک بود که جای افراد خانواد ه نمیشد چه برسد به انبار مهمات . پاسدار ها به محض ورود سراغ را گرفتند . گویا قبل از ورود آنها . . . از دیوار حیاط خلوت خودش راه خانه همسایه رسانده بود محبوبیت زیبایی داشت . همسایه‌ها او را مخفی کردند . پاسدارها به مادر . . . گفتند " مادر دخترت را تا اینجا داریم که حدود یک ساعت قبل وارد خانه شده . بنابراین نمی توانسد از این کوجه بیرون رفته باشد . مطمئن باش که زنده یا مرده او را پیدا می کنیم "

بعد دستور دادند که تمام خانه‌های کوجه را بگردند . از بلند گوا اعلام کردند که چنانچه . . . را در هر خانه‌ای پیدا کنند تمام افراد آن خانه را به جرم مخفی کردن او بازداشت می کنند . خطر جندی بود مخصوصا برای همسایه او به هیچ وجه نمی خواست مزاحمت و مشکلی برای دیگران ایجاد کند . به همسایه گفت که بیرون خواهد رفت . همسایه به شدت با او مخالفت می کرد . با گریه و زاری مانع او می شد و می گفت در زیر زمین خانم خرت و پرت زیاد است . تو می توانی بین آنها

زنان قهرمان ایران!

مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی را تشدید کنید!

مخفی بشوی . ما هم میرویم طبقه بالا و با آنها صحبت می کنیم . ولی . . . نپذیرفت او برخلاف ظاهر آرام و بی تکلفش تمام زندگیش را در خدمت خوشبختی و بهروزی مردم گذاشته بود . او از راحتی و آرامش زندگیش برای رفاه دیگران گذشته بود حالا جطوری می شد آرامش و امنیت همسایه‌اش را برای حفظ جانش به خطر بیندازد . نه ایمن ممکن نبود از زیر زمین بالا اومد و خودش را به کوجه رساند . بادیدن او پاسدارانی که جلوی خانه‌ها کشیک میدادند بطرف او هجوم بردند . انگار کفتح خیبر کرد هاند . مثل اینکه نمی دیدند با پای خودش آمد هاست . وگرنه چه بسا آنها پیدا میشدند . اول چشمهایش را بستند و بعد دستهایش را . در حالیکه فحش‌های رکبک که فقط شایسته خودشان بود میدادند او را سوار ماشین کردند و بردند . بی آنکه بگذارند از مادرش خداحافظی کند . بابریدن او شعله نفرت در قلب تمام همسایه‌ها نسبت به رژیم و پاسدارها نیرومندتر از پیش زیانه کشید . از آن روز جریان دهان به دهان بین اهل محل میگرد و همه خیلی هاتوشهر رسید هاست . خود هم وقتی در جریان زندگیش قرار گرفت متوجه شد که با تمام جوانیش به چه بلوغی رسیده بود . باور کن به او رشک می برم . از او بعد از گذشت نزدیک به یکسال هنوز خبری نشده و حتی نمی دانند در کدام زندان اسیر است .

برایت نوشتم که از آن روز بیشتر از گذشته وسوسه می شوم که حتما در این رشته درس بخوانم تا روزی بتوانم زندگی هارا بصورت فیلم ریبیاورم . اگر تو می توانی لا اقل کمک فکری بمن بکن . دلم برایت خیلی تنگ شده . به امید دیدار .

قربان تو